

ارزیابی عملکرد سازمان‌های غیردولتی (سمن‌های) کشور در حوزه‌ی زنان و خانواده

کرم حبیب پور گتایی*

چکیده

با عنایت به اهمیت و ضرورت روزافزون مشارکت سازمان‌یافته‌ی زنان در دستیابی به توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار، مطالعه‌ی حاضر به بررسی عملکرد سمن‌های فعال در حوزه‌ی زنان و خانواده را بررسی می‌کند. از نظر طرح تحقیق، مطالعه‌ی حاضر از نوع تحقیقات ارزشیابی است که با تلفیقی از روش‌شناسی‌های کمی (پیمایش) و کیفی (تحلیل محتوای کیفی) انجام شده است. جامعه و حجم نمونه‌ی آماری شامل سه گروه بود: مدیران سمن‌ها در زمینه‌ی زنان و خانواده در ۱۷ استان مورد مطالعه (۳۶۵ نفر)؛ کارشناسان و صاحب‌نظران مرتبط (۱۲ نفر) و مدیران یا کارشناسان مسئول سمن‌ها در دفتر امور بانوان در استانداری‌های منتخب (۱۹ نفر). یافته‌ها نشان داد که بیش از چهارپنجم سمن‌های مطالعه‌شده فعال و مابقی نیمه‌فعال بوده‌اند. عمده‌ی نقش سمن‌ها، مربوط به حوزه‌ی آموزشی و ضعیف‌ترین آنها مربوط به حوزه‌ی سیاست‌گذاری بوده است و مهم‌ترین مشکلات آنها را می‌توان به ترتیب شامل هفت مشکل مالی، حقوقی، اداری، سیاسی، نهادی، اجتماعی و فرهنگی و مدیریتی دانست. در کل، واقعیت سمن‌های زنان و خانواده را می‌توان به شکل غیرسمن بودن، تقلیل آنها به مؤسسات خیریه‌ای، فقدان جایگاه مشخص آنها، و همکاری تب‌گونه‌ی دولت با آنها توصیف کرد. دلالت یافته‌ها بر آن است که سمن‌های زنان و خانواده عاملیت حوزه‌ی زنان و خانواده نیستند و در حال حاضر اثربخشی نازلی در عرصه‌ی مدیریت امور زنان و خانواده در سطوح ملی و استانی دارند.

واژگان کلیدی

سازمان‌های غیردولتی (سمن‌ها)، زنان و خانواده، سیاست خانواده، مشارکت، عاملیت.

* عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (karamhabibpour@yahoo.com)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۵

۱- مقدمه و بیان مسئله

بنا به باور بیشتر اندیشمندان، قرن بیست و یکم، قرن مشارکت است که به خاطر کارکردهای مثبت آن در ساحت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه حتی گرایش جدی سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها را برانگیخته است. نمود بارز کارکرد مشارکت، توسعه‌گرایی آن است که سبب ورود مفهوم ترکیبی «توسعه‌ی مشارکتی» به ادبیات توسعه را در دهه‌ی ۱۹۸۰ موجب شده است. توسعه‌ی مشارکتی از مهم‌ترین رویکردهای تحقق پیشرفت و توسعه‌ی عدالت اجتماعی بوده و از مزایای آن می‌توان به اولویت‌بخشی به مردم و آمل و نیازهای آنها، افزایش کارایی فعالیت‌های توسعه، افزایش سطح پوشش عملیاتی، هدفمندی بهتر منافع به سمت فقیرترین افراد، بهبود موقعیت گروه‌های حاشیه‌ای و محروم، ایجاد و توسعه‌ی ظرفیت‌های محلی و کمک به تأمین پایداری فعالیت‌ها اشاره کرد (Asian Development Bank, 1999: 2-3). ضمن آنکه در این بین، ریسک‌های مترتب بر مشارکت مانند هزینه‌های زمانی و پولی، جلوه‌کردن مشارکت به مثابه‌ی امری لوکس در موقعیت‌های نوظهور و یا شرایط فقر، تهدید ثبات جامعه و پتانسیل ایجاد تضادهای سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی را نیز باید در هرگونه تصمیم و اقدام توسعه‌ای در نظر داشت (SURF for Arab States, 1999: 3).

۴۶

از اشکال بارز مشارکت، مشارکت رسمی و آن هم مشارکت سازمان یافته در قالب سازمان‌های غیردولتی (سمن‌ها) است که در صور متعددی همچون گروه خودیار، کانون، تعاونی، انجمن و... در رابطه با جمعیت‌های مختلف نمود دارد. در گروه زنان و خانواده نیز امروزه مشارکت سازمان یافته‌ی آنها در حوزه‌های مختلف از طرف محافل علمی و کارگزاری بحث و حمایت وافر شده و روزانه در سطح ملی و جهانی، شاهد تشکیل و فعالیت مؤثر این سمن‌ها در حوزه‌های مختلف توسعه‌ای هستیم. در ایران نیز سمن‌های زنان و خانواده فعالیت‌هایی را در عرصه‌های متعدد از جنبه‌های حمایتی و صرفاً خیریه گرفته تا جنبه‌های حقوقی، اقتصادی، توانمندسازی و... صورت داده‌اند.

سمن‌های فعال حوزه‌ی زنان و خانواده کارکردهای متعددی را در زمینه‌ی توسعه‌ی فردی و اجتماعی زنان و بهبود عملکرد خانواده پوشش می‌دهند؛ برای نمونه تقویت روحیه‌ی کارآفرینی، آموزش زنان به شرکت در توسعه‌ی جامعه، تولید سوژه‌های خودساخته و خودمنضبط، رفع موانع اجتماعی فراروی زنان برای حضور در اجتماع، افزایش آگاهی و بلوغ اجتماعی در بین زنان، تقویت سرمایه‌ی اجتماعی در بین زنان، بهبود آگاهی زنان در حوزه‌ی رفاه خانواده و تأثیرگذاری در افکار عمومی به دلیل فعالیت در بطن جامعه و داوطلبانه‌بودن از برجسته‌ترین ظرفیت‌ها و کارکردهای آشکار و پنهانی‌اند که سمن‌های حوزه‌ی زنان و خانواده برعهده دارند و

می‌توانند در صورت فراهم‌بودن شرایط و الزامات مناسب، بالفعل شوند. ضمن اینکه در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر توجه به نقش خانواده در همه‌ی قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها تصریح شده است: «زآنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه‌ی اسلامی است، همه‌ی قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه‌ی حقوق و اخلاق اسلامی باشد» و سمن‌های زنان و خانواده می‌توانند به تحقق این اصل کمک کنند.

آمار غیررسمی نشان از آن دارد که حدود ۸ هزار سمن زنان در کشور تأسیس شده است که مجوز فعالیت‌های خود را از وزارت کشور (استانداری‌ها و فرمانداری‌ها)؛ نیروی انتظامی؛ سازمان ملی جوانان؛ سازمان بهزیستی؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان حفاظت محیط زیست دریافت کرده‌اند. زمینه‌ی فعالیت این سمن‌ها به ترتیب فراوانی شامل مالی و قرض‌الحسنه، نیکوکاری و خیریه، فرهنگی، حمایتی، آموزشی، محیط زیست، بهداشت و درمان، علمی و پژوهشی، مذهبی، توان‌بخشی، اجتماعی، آسیب‌دیدگان اجتماعی، هنری، ورزشی، گردشگری، ادبی و... می‌باشد که حوزه‌ی فعالیت بیشتر آنها در شهرستان محل تأسیس و سپس استان و بعد سطح ملی و بین‌المللی است. البته آمار فوق مربوط به کل سمن‌های دارای مجوز از تمامی سازمان‌ها در کشور است، اما براساس آمار دفتر امور بانوان وزارت کشور، تعداد سمن‌های فعال در موضوع زنان و خانواده که از این وزارتخانه مجوز دارند، برابر با ۱۹۰۰ سمن است که در حوزه‌های فوق‌الذکر فعالیت می‌کنند.

تشکیل و توسعه‌ی سمن‌ها در موضوع زنان و خانواده از راهکارها و ابزارهای اساسی راهبرد مشارکت است که بستری مناسب برای بروز اندیشه، خلاقیت و ابتکار زنان به حساب آمده و آنها را به مسئولیت‌پذیری و تعهد بیشتر سوق می‌دهد و درنهایت امر، زمینه‌ساز توانمندی آنها برای نیل به توسعه‌ی محلی، منطقه‌ای و ملی خواهد بود. این سمن‌ها، تشکل یا سازمانی از گروه‌های داوطلب زنان هستند که غیردولتی و غیرانتفاعی بوده و هدف آنها رفع نیازهای اعضا و درعین حال کل جامعه یا گروه‌هایی از آن است. به عبارتی، جهت‌گیری اصلی این سمن‌ها، ایجاد تغییر است، حال سطح این تغییر ممکن است فردی، گروهی و یا جامعه‌ی باشد.

با عنایت به این ملاحظات و ظرفیت‌ها و نقش‌های بالقوه‌ی سمن‌ها در امر توسعه‌ی زنان و خانواده، آنچه مهم است، معرفت به وضعیت عملکرد این سمن‌ها در راستای اهداف پیش‌بینی‌شده است؛ معرفتی که می‌تواند با آگاهی از وضع موجود و تعیین شکاف آن با وضع مطلوب، زمینه‌ی انجام اقدامات مؤثر و بهبود عملکرد را فراهم کند. درحقیقت، انجام تحقیق حاضر با محوریت

ارزیابی عملکرد سمن‌های فعال در زمینه‌ی زنان و خانواده، برای ذی‌نفعان مختلف به‌ویژه خود این سمن‌ها از یک سو و نهادهای متولی امور زنان و خانواده از سوی دیگر دستاوردهای زیادی دارد؛ دستاورد این تحقیق برای خود این سمن‌ها شناسایی و ریشه‌یابی میزان پیشرفت‌شان در تحقق اهداف تعیین‌شده و شناسایی فرصت‌ها و اقدامات لازم برای بهبود عملکرد آنهاست. اهمیت این تحقیق برای نهادهای متولی نیز، بهبود و افزایش درک مسئولان این دفتر در مقام یک نهاد نظارتی و کنترلی نسبت به وضع موجود و عملکرد این سمن‌ها و در نتیجه افزایش میزان مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی آنهاست. وجود چنین سمن‌هایی می‌تواند مشارکت‌های نهادی را سازمان داده و از پتانسیل‌ها و توانمندی‌های خود زنان برای خودشان با هدف مشارکت‌دادن آنها در عرصه‌های مختلف استفاده شود و جایگزین مناسبی برای مشارکت‌های سنتی و غیررسمی زنان در جامعه‌ی امروزی به‌خصوص در نواحی شهری باشد که امروزه بخاطر تحولات اجتماعی (مثل مهاجرت، تغییر سبک زندگی و تحول نسلی) امکان فعلیت‌بخشیدن مشارکت آنها در شکل سنتی وجود ندارد؛ لذا این سمن‌ها می‌تواند به‌مثابه‌ی جایگزینی برای شکل‌دادن مشارکت نهادی زنان باشند، ضمن اینکه تشکلیابی مشارکت زنان در قالب نهادهای مردمی باعث اجرایی‌شدن هرچه سریع‌تر، منظم‌تر و مؤثر برنامه‌های تدوین‌شده از سوی نهادهای متولی امور زنان و خانواده می‌شود. از این رو، مطالعه‌ی حاضر با این سؤال جهت‌دهی شده است که با توجه به اهمیت و ضرورت روزافزون مشارکت سازمان‌یافته‌ی زنان در حصول به توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار، سمن‌ها در این زمینه و نیز در زمینه‌ی خانواده در کشور چه وضعیتی در حوزه‌های مختلف عملکردی دارند و چه راهکارهایی را می‌توان برای بهبود عملکرد آنها پیشنهاد داد؟

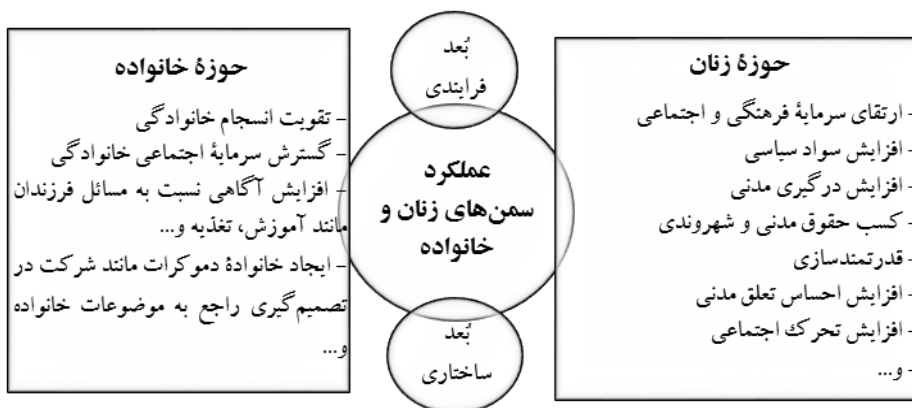
۲- چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی این تحقیق مبتنی بر دو ایده‌ی کلیدی در رابطه با سمن‌های زنان و خانواده است: چارچوب مفهومی انتخابی برای درک ابعاد عملکردی سمن‌ها، و رویکرد و مدل انتخابی برای ارزیابی عملکرد سمن‌ها.

اولین بخش از چارچوب مفهومی این تحقیق بر این اساس شکل گرفته است که عملکرد سمن‌های زنان و خانواده براساس چه عناصری مطالعه و ارزیابی شود. به‌دلیل ماهیت چندبعدی سمن‌ها و با هدف اتخاذ رویکردی سیستمیک به موضوع، این چارچوب با نگاهی جامع عملکرد سمن‌های زنان و خانواده در ایران را با هدف ارائه‌ی راهبردهای توانمندسازی آنها بررسی می‌کند. به این منظور، مدل مفهومی تحقیق مدلی است که براساس نقش این سمن‌ها در دو حوزه‌ی زنان و

خانواده تنظیم شده است؛ به طوری که براساس منطق رویکرد ارزشیابی در این تحقیق شاخص‌های عملکرد براساس اهداف سمن‌های زنان و خانواده به طور خاص و نیز اهداف سمن‌ها به طور عام به تفکیک در دو حوزه‌ی زنان و خانواده احصا شده و میزان دستیابی به این اهداف و شکاف آن با وضع مطلوب سنجش و ارزیابی شده است. از جمله شاخص‌های عملکردی که براساس نقش سمن‌های مطالعه شده در حوزه‌ی زنان بررسی شدند، عبارت‌اند از: ارتقای سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی، افزایش سواد سیاسی، افزایش درگیری مدنی، کسب حقوق مدنی و شهروندی، قدرتمندسازی، افزایش احساس تعلق مدنی، افزایش تحرک اجتماعی و...

در حوزه‌ی خانواده نیز شاخص‌های متعددی در رابطه با نقش زنان در این حوزه سنجیده شده‌اند که از جمله می‌توان به تقویت انسجام خانوادگی، گسترش سرمایه‌ی اجتماعی-خانوادگی، افزایش آگاهی نسبت به مسائل فرزندان مانند آموزش، تغذیه و... کمک به ایجاد خانواده‌ی دموکرات مانند شرکت در تصمیم‌گیری راجع به موضوعات خانواده و... اشاره کرد (شکل ۱).



۴۹

شکل (۱) ابعاد فرآیندی و ساختاری عملکرد سمن‌های حوزه‌ی زنان و خانواده

از طرفی، مدل مفهومی دیگری درباره‌ی ابعاد عملکردی سمن‌های زنان و خانواده تنظیم شده که این مدل متشکل از دو بعد سازنده‌ی عملکرد آنها (یعنی فرآیندی و ساختاری) است که هر یک از این ابعاد نیز چندین مؤلفه و شاخص را دربرمی‌گیرند. منظور از بعد فرآیندی (درون‌سازمانی)^۱، تمامی آن فرآیندهایی است که در داخل سمن‌ها در راستای توسعه‌ی آنها انجام می‌شود. به بیانی، این فرآیندها همان فعل‌و‌انفعالاتی هستند که در داخل سمن‌ها برای نیل به اهداف پیش‌بینی شده انجام می‌شوند. شاخص‌ها و متغیرهای بررسی شده در این مطالعه برای

1. process/Inner organisational factors

سنجش بعد فرآیندی عملکرد سمن‌ها عبارت‌اند از: منابع مالی، منابع درآمدی، میزان استقلال مالی، کیفیت سرمایه‌گذاری، کمیت اعضا و روند آن، ترکیب جنسی اعضا، مشارکت اعضا، شناخت مردم، حمایت و استقبال مردم، اعتماد مردم، اطلاع‌رسانی، ظرفیت‌سازی و استمرار و پایداری. بعد دوم مورد بررسی از عملکرد سمن‌ها، بعد ساختاری (فراسازمانی/بافتی)^۱ بود که به کیفیت تعامل و برهم‌کنش این سمن‌ها با محیط بیرونی برمی‌گردد. شاخص‌های مطالعه‌شده در این بعد شامل‌اند از: کیفیت ارتباط با سایر نهادها اعم از دولتی، خصوصی و سمن‌ها، سیاست دولت در قبال بخش غیردولتی (قوانین و مقررات، بودجه و مالی، انتقال فعالیت‌ها و اطلاع‌رسانی به مردم)، تأثیر بخش غیردولتی در سیاست‌ها و برنامه‌های دولت.

دومین بخش از چارچوب مفهومی این تحقیق، مبتنی بر رویکرد و مدلی است که برای ارزیابی عملکرد سمن‌ها انتخاب و به‌کار بسته شده است. رویکرد انتخابی تحقیق برای ارزیابی عملکرد سمن‌ها، رویکرد ارزشیابی است که روش اجرای آن تا حدودی متفاوت با سایر روش‌های مرسوم تحقیق است. در این تحقیق، برای ارزیابی عملکرد سمن‌ها در موضوع زنان و خانواده از روش ارزشیابی عملکرد استفاده شد. درباره‌ی الگوهای ارزشیابی استفاده‌شده در این تحقیق، باید گفت که در تحقیق حاضر، اولین و مهم‌ترین الگویی که برای ارزیابی سمن‌های زنان و خانواده استفاده شد، الگوی ارزشیابی مبتنی بر هدف بود. این الگو، نخستین الگوی ارزشیابی است که تاریخ پیدایش آن به دهه‌ی ۱۹۳۰ میلادی بازمی‌گردد و به دلیل ابداع آن توسط رالف. دبلیو. تایلر^۲، به الگو یا رویکرد ارزشیابی تایلر یا تایلری نیز معروف است. در این رویکرد، سؤال این است که آیا سازمان یا نهاد مربوطه به اهداف مورد نظر دست یافته است؟ براساس این رویکرد، ارزشیابی به فرآیندی نظام‌مند برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات گفته می‌شود که تعیین می‌کند آیا اهداف مورد نظر تحقق یافته‌اند یا در حال تحقق یافتن هستند و به چه میزانی تحقق یافته‌اند (کارشناسان دفتر همکاری‌های بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۹: ۲۲). بنابراین، ارزشیابی مبتنی بر هدف، با مقایسه‌ی نتایج مورد انتظار و نتایج واقعی سمن‌ها در موضوع زنان و خانواده انجام شد که تمرکز آن بر نتایج بود. رویکرد دیگری که در این تحقیق مبنای ارزشیابی عملکرد سمن‌ها در موضوع زنان و خانواده بود، دو ارزشیابی مبتنی بر نظر متخصصان^۳ (که بر نظر و قضاوت کارشناسان و متخصصان

1. structural/extraorganisational/contextual factors

2. Ralph, W. Tyler

3. expertise-oriented approach

درباره‌ی عملکرد سمن‌ها تأکید دارد) و ارزشیابی مشارکت‌کننده‌محور^۱ (که بر فعالیت افراد درگیر در سمن‌ها شامل مدیران و اعضا برای ارزشیابی آن تأکید دارد) متعلق به ورتن و ساندرز^۲ بود. براساس مجموع سه ارزشیابی استفاده‌شده در این تحقیق (مبتنی بر هدف، نظر متخصصان و مشارکت‌کننده‌محور)، چارچوب ارزشیابی استفاده‌شده شامل چهار مرحله بود: اول، احصاء اهداف سمن‌ها در موضوع زنان و خانواده؛ دوم، تدوین شاخص‌هایی برای مقایسه‌ی عملکرد مطلوب با عملکرد واقعی؛ سوم، شناسایی شکاف‌ها در زمینه‌ی عملکرد آنها هم براساس اهداف خاص سمن‌ها در موضوع زنان و خانواده و هم براساس اهداف عام سمن‌ها؛ چهارم، پیشنهاد اقداماتی برای بهبود عملکرد این سمن‌ها و تقویت و توانمندسازی آنها.

۳- پیشینه‌ی تجربی

در حدود یک‌ونیم دهه‌ی اخیر، ادبیات تجربی غنی‌ای در موضوع سمن‌ها پدید آمده است، اما نظر به تعدد و تکثر این مطالعات، در این قسمت تنها به ادبیاتی اشاره می‌شود که عملکرد و وضعیت سمن‌ها در موضوع زنان و خانواده را بررسی کرده‌اند. در بین مطالعات داخلی، برای مثال، رضائی قلعه‌تکی پی‌برد که زنان ایرانی عضو سمن‌ها برای ورود به عرصه‌ی فعالیت‌های دولتی با موانع فردی، محیطی و سازمانی مواجه‌اند (رضائی قلعه‌تکی، ۱۳۸۲). دهقان دریافت که سمن‌های زنان در دوره‌ی سازندگی با مسائل و مشکلات متعددی از جمله ناشناخته‌بودن این مفهوم در آن زمان، ناآشنایی مؤسسان و دولت با نقش و کارآیی این سمن‌ها، زیر چتر حمایت دولت بودن و ابزار تبلیغ نظام قرارگرفتن، نظارت حداکثری دولت و نگاه امنیتی نسبت به آنها درگیر بوده‌اند (دهقان، ۱۳۸۲).

سعیدی رابطه‌ی دولت و سمن‌های زنان در ایران را براساس چهار محور همکاری، تعارض، تکمیل و تخاصم آسیب‌شناسی کرده و معتقد است که رشد کمی این سمن‌ها از دهه‌ی ۷۰ تاکنون، دلالت بر رشد کیفی آنها ندارد. محقق معتقد است که استمرار شکل رابطه‌ی کنونی دولت با این سمن‌ها، احتمالاً فعالیت آنها را محدود کرده و نقش چندانی در تغییر ساختاری مسائل زنان ندارد (سعیدی، ۱۳۸۴). شرکت مشاوره‌ی مدیریتی درساندیش (۱۳۸۴) مهم‌ترین موانع فعالیت کانون‌های فرهنگی و اجتماعی زنان را ناکافی بودن و تأمین‌نشدن اعتبارات لازم،

1. naturalistic and participant-oriented approach

2. Worthen, B. R. & Sanders, J. R. (1987).

بی توجهی مسئولین به مشکلات کانون‌ها، نبود ساختار تشکیلاتی مدون در کانون‌ها، فقدان نظام اطلاع‌رسانی مناسب، به رسمیت شناخته نشدن کانون‌ها از سوی مسئولین دولتی و... دانسته است. همچنین میزان حمایت سازمان‌ها از این کانون‌ها از یک طرف و میزان شبکه‌سازی و همکاری بین خود آنها از طرف دیگر ضعیف بود (درساندیش، ۱۳۸۴).

اعتمادی‌فر و دبیریان در مطالعه‌ی نقش سمن‌ها در آموزش زنان جهت تضمین پایداری محیط زیست، معتقدند که زنان از یک سو، عامل اصلی انتقال فرهنگ و دانش زیست‌محیطی به نسل‌های آتی به‌شمار می‌روند و از دیگر سو، عامل اصلی اصلاح فرهنگ مصرف هستند. بنابراین، توانمندکردن زنان در راستای مشارکت در حل مسائل زیست‌محیطی به معنی توانمندکردن جامعه است (اعتمادی‌فر و دبیریان، ۱۳۸۷). پوریوسفی و بهاری با پیمایش در بین ۳۷۰ نفر از شهروندان تبریزی دریافته‌اند که تحصیلات، روحیه‌ی مشارکت، وضعیت اقتصادی، اعتمادبه‌نفس و خودباوری مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر در مشارکت زنان در سمن‌ها هستند، اما پایگاه اجتماعی زنان ارتباطی با مشارکت آنها ندارد (پوریوسفی و بهاری، ۱۳۸۸: ۴۸-۲۷).

فرجی و فعلی با پیمایش در بین ۸۰ نفر از زنان ۳۰-۱۹ ساله که در سمن‌های کودکان کار شهر تهران فعالیت داوطلبانه داشته، دریافته‌اند که میان سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی و میزان مشارکت زنان در سمن‌ها رابطه‌ی مثبت وجود دارد (فرجی و فعلی، ۱۳۸۹: ۱۹۷-۱۶۷). براری، مطهری‌اصل و رضوی خراسانی در مطالعه‌ی تأثیر عضویت در سمن‌ها بر پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان سرپرست خانوار شهر تهران دریافته‌اند که زنان عضو سمن‌ها به‌طور معناداری پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر، دسترسی به امکانات رفاهی بیشتر، رضایت از زندگی بیشتر و بهبود نگرش نسبت به توانایی‌ها و شایستگی‌های خود دارند (براری، مطهری‌اصل و رضوی خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۷۶-۱۵۳). محمدی در گونه‌شناسی عملکرد سمن‌های زنان در برخی کشورهای اسلامی پی‌برد که ۴۳٪ از تغییرات موجود در عملکرد سمن‌های زنان تحت تأثیر ساختار سیاسی متفاوت هریک از این کشورها شکل گرفته است. در ضمن، عملکرد این سمن‌ها در ترکیه با مالزی و مصر با عربستان سعودی بیشترین درجه‌ی مشابهت را دارند (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۲۶).

در خارج از کشور نیز مطالعات وسیعی درباره‌ی سمن‌های زنان و خانواده انجام و ادبیات غنی در این باره تولید و انباشت شده است؛ برای مثال شیخ و نورول دریافته‌اند، برنامه‌های توسعه‌ای که سمن‌های زنان در روستاهای بنگلادش اجرا می‌کنند، باعث افزایش سواد، آگاهی و مهارت‌های رهبری و درنهایت قدرتمندسازی زنان می‌شود، اما به دلیل کردارهای اجتماعی و فرهنگی رایج، این برنامه‌ها در درگیرکردن و بسیج زنان به سمت بخش‌های مولد ناکام مانده‌اند (Shekh &

(Nurul, 2000). مؤسسه‌ی راهبردهای انسانی برای حقوق بشر به این نتیجه رسید که چالش کنونی سمنهای حامی حقوق زنان در ترکیه، توانایی در توازن بخشیدن بین سمنهایی است که در زمینه‌ی اصلاحات نهادی، حقوقی و سیاست‌گذاری فعالیت می‌کنند، و سمنهایی است که در جهت اجرای مؤثر و هماهنگ این حقوق در عمل فعالیت می‌کنند (Gagnon, 2002).

انجمن توسعه‌ی زنان و کودکان در یمن در شناسایی نیازهای آموزشی و نهادی در بین ۶۹ سمن محلی زنان در یمن دریافت که ۹ سمن اصلاً وجود خارجی نداشته و غیرفعال‌اند. در ضمن، مهم‌ترین عوامل تضعیف این سمن‌ها به ترتیب شامل منابع مالی، منابع مادی، فعالیت‌ها و پروژه‌ها، منابع انسانی، مدیریت سازمانی و ویژگی‌های سازمانی بودند. مرکز منابع زنان در مطالعه‌ی درباره‌ی وضعیت سمنهای زنان در بریتانیا، دریافت اگرچه دولت بریتانیا اقدامات مثبتی را در راستای تعهدات خود نسبت به سمن‌ها انجام داده، اما سمن‌ها در این کشور همچنان با بحران مالی مواجه‌اند که این امر به بسته‌شدن و یا کاهش خدمات این سمن‌ها منجر شده است. از موضوعات دیگری که این مطالعه دریافت، این است که این سمن‌ها فاقد نمایندگی در سازمان‌های تصمیم‌گیری هستند، فرسایش خدمات ارائه‌شده از سوی این سمن‌ها به دلیل ضعف مالی و افزایش تصمیم‌گیری غیرجنسیتی در سازمان‌های تصمیم‌گیری از دیگر نتایج این مطالعه بود.

جمع‌بندی ادبیات تجربی موجود درباره‌ی عملکرد و نقش سمن‌ها در حوزه‌ی زنان و خانواده در داخل و خارج از کشور حکایت از چندین نکته دارد که برخی از آنها جزء نقاط قوت مطالعه‌ی حاضر است:

- با عنایت به ضعف ادبیات تجربی در موضوع مرتبط با این تحقیق، تحقیق حاضر فتح بابی است برای ادامه و تقویت تحقیقات در موضوع نقش و درعین حال ارتقاء مشارکت سمن‌ها در حوزه‌ی زنان و خانواده؛

- اغلب مطالعات درباره‌ی سمن‌ها که در ایران و سایر کشورها انجام شده‌اند، به حوزه‌ی عملکردی خاصی توجه کرده‌اند، درحالی‌که این تحقیق رویکرد جامع به این حوزه‌ها داشته و سعی دارد به عملکرد سمن‌های زنان و خانواده در حوزه‌های مختلف عملکردی توجه کند؛

- نگاه تحقیق حاضر به عوامل مؤثر در عملکرد سمن‌های زنان و خانواده، نگاهی تلفیقی است که اذعان دارد ترکیبی از عوامل فردی، میانی و کلان در این عملکرد مؤثرند. بر همین اساس، تمام این سه دسته عوامل که درحقیقت عوامل درونی و بیرونی هستند، در این تحقیق بررسی شدند.

۴- روش شناسی

ماهیت و روش تحقیق

از نظر طرح تحقیق، مطالعه‌ی حاضر از نوع تحقیقات ارزشیابانه و از نظر هدف، از نوع مطالعات کاربردی است که عملکرد سمن‌ها در موضوع زنان و خانواده را ارزیابی کرده است. منتهی از آنجا که طرح ارزشیابانه در اجرا به روش شناسی‌های کمی و کیفی متکی است، بنابراین در این تحقیق از تلفیقی از روش شناسی کمی (پیمایش با تکنیک پرسشنامه) و روش شناسی کیفی (تحلیل محتوای کیفی با تکنیک مصاحبه‌ی عمیق نیمه‌ساختاریافته) استفاده شد.

جامعه‌ی آماری، حجم نمونه و شیوه‌ی نمونه‌گیری

به منظور افزایش دقت و اصالت یافته‌ها، جامعه و نمونه‌ی آماری تحقیق شامل سه گروه بود: اول) سمن‌های فعال در حوزه‌ی زنان و خانواده در ۱۷ استان کشور (۳۶۵ سمن؛ دوم) کارشناسان و متخصصان در زمینه‌ی سمن‌ها به‌ویژه در موضوع زنان و خانواده (۱۲ نفر؛ سوم) مدیران یا کارشناسان مسئول سمن‌ها در دفتر امور بانوان در استان‌های منتخب (۱۹ نفر). استان‌های مطالعه‌شده شامل اصفهان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، البرز، تهران، خراسان رضوی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، فارس، قم، کرمان، کرمانشاه، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی و هرمزگان بودند.

در مورد انتخاب حجم نمونه به تفکیک استانی و موضوعی در این گروه باید گفت که ابتدا فهرست سمن‌های فعال در حوزه‌ی زنان و خانواده در کل کشور از دفتر امور بانوان وزارت کشور تهیه شده و سپس براساس ملاک تعداد سمن‌ها، استان‌ها به ۵ طبقه دسته‌بندی می‌شوند و سپس از هر طبقه، تعداد ۲ استان براساس ترکیبی از ملاک‌های کمترین و بیشترین تعداد سمن و نیز پراکنش جغرافیایی انتخاب و در ادامه نیز از هر طبقه‌ی استانی، تعداد سمن مورد نظر برحسب درصد از کل پوشش سمن‌ها در ۵ طبقه‌ی مورد نظر و درصد از کل حجم نمونه‌ی ۳۲۰ سمن انتخاب شد. در ضمن، اگرچه حجم نمونه‌ی تحقیق ۳۲۰ سمن بود، اما به دلیل ریسک بالای وقوع بی‌پاسخی و همکاری نکردن برخی مدیران، تیم پرسشگران در استان‌های مطالعه‌شده به ادارات کل امور بانوان و ادارات کل امور اجتماعی این استانداری‌ها مراجعه کرده و براساس فهرستی از این سمنها در اختیار آنها قرار داده شده، به سمنها برای تکمیل پرسش‌نامه مراجعه کردند. در اثر این مراجعه، در نهایت تعداد واقعی و تکمیل‌شده‌ی پرسش‌نامه از تعداد پیش‌بینی شده بیشتر شد که به منظور دقت بیشتر در یافته‌ها و تحلیل‌ها، این تعداد به‌عنوان حجم نهایی نمونه انتخاب شد. بنابراین، حجم نمونه از ۳۲۰ به ۳۶۵ سمن افزایش یافت.

سنجه‌ها

الف. سازمان‌های غیردولتی (سمن‌ها)^۱: براساس مصوبه هیأت وزیران در سال ۱۳۸۴ مبنی بر آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی، سمن‌ها به تشکل‌هایی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوطه تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی می‌باشند. موضوع فعالیت سازمان مشتمل بر یکی از موارد علمی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، هنری، نیکوکاری و امور خیریه، بشردوستانه، امور زنان، آسیب‌دیدگان اجتماعی، حمایتی، بهداشت و درمان، توانبخشی، محیط زیست، عمران و آبادانی و نظایر آن، یا مجموعه‌ای از آنها می‌باشد (وزارت کشور، ۱۳۸۴). گروه هدف این تحقیق، سمن‌های فعال در حوزه‌ی زنان و خانواده است که در این تحقیق به‌عنوان سمن‌هایی در نظر گرفته‌اند که هدف آنها، از یک سو تأمین منافع مشترک اعضا و از سوی دیگر تأمین منافع عمومی جامعه است.

ب. مؤلفه‌ها و شاخص‌های عملکرد: در معنای کلی، عملکرد معرف درجه‌ی پیشرفت در یک زمینه‌ی فعالیت بوده و نتیجه‌ی کنش و فرآیندی است که در لحظه‌ی زمانی خاص اتفاق می‌افتد (Gherghina, Văduva & Postole, 2009: 640). شاخص‌های عملکرد، تکنولوژی‌های مفهومی هستند که تعیین می‌کنند چه چیزی در ارزشیابی مهم است و آن عناصر چگونه‌اند. به کمک این شاخص‌ها، می‌توان نشان داد، یک سازمان یا برنامه تا چه اندازه در یک زمینه دارد خوب کار می‌کند. شاخص‌های عملکرد مستقیم بین اهداف و نتایج قرار دارند (Ibid).

در این تحقیق، شاخص‌های عملکرد براساس اهداف سمن‌های زنان و خانواده به‌طور خاص و نیز اهداف سمن‌ها به‌طور عام از یک سو و براساس مطالعات نظری و تجربی مرتبط به تفکیک در دو حوزه‌ی زنان و خانواده احصاء شده و میزان دستیابی به این اهداف و شکاف آن با وضع مطلوب سنجش و ارزیابی شده است. همچنین این ارزیابی از منظری دیگر، از دو بعد فرآیندی (درون‌سازمانی) و ساختاری (فرا‌سازمانی/باقی) و در قالب طیف لیکرت چندگویه‌ای از خیلی زیاد (با کد ۶) تا اصلاً (با کد ۱) سنجش و بررسی شد (از آنجاکه در بخش چارچوب مفهومی به جزئیات این شاخص‌ها اشاره شد، در اینجا از تکرار آنها اجتناب می‌شود).

تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های پرسش‌نامه‌های تکمیلی در گروه مدیران از نرم‌افزار آماری SPSS.v24 و آمار توصیفی همراه با نمایش توزیع و آرایش مفاهیم، متغیرها و ویژگی‌های نمونه‌ی آماری تحقیق و نمایش یافته‌ها در قالب جدول یک‌بعدی به همراه آماره‌های میانگین و انحراف معیار انجام شد. اما برای تحلیل اطلاعات حاصل از بخش کیفی و روش تحلیل محتوای کیفی (یعنی مصاحبه با دو گروه مدیران سمن‌ها و کارشناسان دفتر امور بانوان استانداری‌های مطالعه‌شده)، از تحلیل متمرکز بر معنای سه مرحله‌ی کدگذاری معنایی، تلخیص معنایی و خوانش نظری استفاده شد.

۵- یافته‌های پژوهش

در رابطه با ساختار و ترکیب موضوعی یافته‌ها، باید گفت که این بخش به سه موضوع ضمنی مرتبط با فعالیت و عملکرد سمنها در حوزه‌ی زنان و خانواده می‌پردازد. گرچه این سه بخش و موضوع مجزا ارائه شده‌اند، اما آرایش ارائه‌ی آنها طوری تنظیم شده است که ضمن رعایت نظم و منطق در ذهن خواننده، اشاره به هر موضوع، پیش‌زمینه‌ی درک موضوع بعدی است: اول) توصیف سمنها، دوم) مشارکت سمنها در حوزه‌ی زنان و خانواده، سوم) ارزیابی عملکرد سمنها در موضوعات زنان و خانواده.

۵-۱- توصیف سمن‌ها

الف. وضعیت کلان سمن‌ها: استان‌های اصفهان (۱۰,۴٪)، کرمان (۹,۹٪) و هرمزگان و خراسان رضوی (به‌طور مشترک ۹,۶٪) به ترتیب بیشترین نسبت از سمنهای مطالعه‌شده را به خود اختصاص داده‌اند. از نظر سال تأسیس، سمنهای زنان و خانواده در چهار دوره تشکیل شده‌اند: اولین سمن زنان و خانواده‌ی مطالعه‌شده در انتهای دهه‌ی ۱۳۳۰ (یعنی ۱۳۲۷) تأسیس شد. زمان تشکیل بیشتر سمنهای زنان و خانواده، به دهه‌ی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ (۴۹,۱٪) و پس از آن به دوره‌ی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ (۳۱,۹٪) برمی‌گردد. در ضمن، بیشترین فراوانی شکل‌گیری این سمن‌ها نیز به ترتیب مربوط به سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ (۲۴ سمن)، ۱۳۸۶ و ۱۳۹۲ (۲۲ سمن) و ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸ (۲۰ سمن) بوده است. بیشتر سمنهای مطالعه‌شده‌ی فعال (۸۷,۷٪) و حدود یک دهم آنها (۱۲,۳٪) نیمه‌فعال بوده‌اند که مهم‌ترین دلایل غیرفعال‌ی یا نیمه‌فعال‌ی آنها، نداشتن فضا و مکان و حتی مناسب‌بودن آن برای فعالیت، مشکلات اقتصادی و مالی و مشغله‌ی کاری، نداشتن وقت و فرصت، نداشتن انگیزه‌ی کافی و یا نداشتن فعالیت مشخص برای اعضا بوده است.

ب. مراجع سازمانی صدور مجوز فعالیت: در حال حاضر، چندین مرجع سازمانی در کشور مجوز فعالیت سمنهای حوزه‌ی زنان و خانواده را صادر می‌کنند که مهم‌ترین آن وزارت کشور و استانداری است که مجوز ۵۶٫۷٪ (بیش از نیمی) این سمن‌ها را صادر کرده و پس از آن سازمان بهزیستی (۱۷٫۲٪)، نیروی انتظامی (۱۳٫۱٪) و سازمان ملی جوانان (۸٫۱٪)، در مراتب بعدی قرار دارند.

ج. نوع و زمینه‌ی فعالیت: بیشترین فعالیتی که سمنهای زنان و خانواده انجام داده‌اند، آموزش است (۳۱٫۵٪) که نشان می‌دهد آنها بیشتر درگیر امر آموزش و اطلاع‌رسانی‌اند تا حوزه‌های سیاستی و تصمیم‌گیری. پس از زمینه‌ی آموزشی، سمن‌ها به ترتیب در زمینه‌های خدمات‌رسانی (۲۴٫۱٪)، مشاوره‌ای (۱۸٫۴٪) و پژوهشی (۹٫۶٪) درگیرند. همچنین بیشتر سمنها به ترتیب در زمینه‌های کمک به خانواده‌های بی‌بضاعت و نیازمند، آموزش‌های تخصصی و عمومی به زنان (مهارت‌های زندگی) بصورت حضوری و مجازی، مشاوره‌ی ازدواج، خانواده، طلاق، نوجوانان، تعلیم و تربیت و... فعالیت می‌کنند.

د. مشخصات مؤسسان: بیش از دوسوم (۶۹٫۸٪) اعضای مؤسس این سمن‌ها را زنان و ۳۰٫۲٪ را مردان تشکیل داده‌اند. از نظر سنی، ترکیب مؤسسان عمدتاً میان‌سالی (۵۶٫۲٪) و بزرگ‌سالی (۲۵٫۵٪) است ($M=42$, $SD=11.2$). اکثریت قریب به اتفاق مؤسسان تحصیلات عالی دارند (۸۱٫۲٪) که بیشترین آنها تحصیلات فوق‌دیپلم و لیسانس (۴۸٫۳٪) دارند. بیشتر مؤسسان کارمند بخش‌های دولتی و عمومی در مشاغل گوناگون کارمند اداری (۲۹٫۳٪)، معلم و پرستار و مشاور و مربی (۱۴٫۳٪)، مدیر واحدهای اجرائی، شورا، روابط عمومی و... (۱۲٫۴٪) و... بوده‌اند و نسبت افراد شاغل در بخش‌های خصوصی بسیار محدود بوده است (۴٫۲٪ آزاد، ۲٫۱٪ دانشجوی و محصل و...).

ه. مشخصات اعضا: دامنه‌ی تعداد اعضا در سمنها از میانگین ۱۵ عضو در زمان تأسیس تا میانگین ۸۳ عضو در زمان حال را شامل می‌شود. دامنه‌ی تعداد اعضای داوطلب در آنها نیز از میانگین ۳۲ عضو در زمان تأسیس تا میانگین ۱۷۲ عضو در زمان حال را شامل می‌شود. در قریب به دوسوم از سمنها (۶۴٫۸٪)، اعضا با هم خویشاوندند و این نسبت در ۱۲٫۸٪ از آنها به بالاتر از ۳۰٪ بالغ می‌شود. ترکیب سنی اعضا عمدتاً میان‌سال (۳۱ تا ۴۵ سال، ۵۵٫۸٪) و جوان (۱۵ تا ۳۰ سال، ۲۹٫۶٪) بوده است.

۵-۲- نقش‌ها و ظرفیت‌های کلی سمن‌ها در حوزه‌ی زنان و خانواده

نتایجی که در این قسمت ارائه می‌شود، مربوط به دو حوزه است: یکی سنجش و بررسی نقش‌هایی که تاکنون سمنهای زنان و خانواده داشته‌اند و دیگر، بررسی قابلیت‌ها و ظرفیت‌های سمنها در ایفای هر کدام از این نقش‌ها. نتایج این بررسی بدین قرار بود:

الف. میانگین نقش‌های انجام‌شده از یک طرف (۳،۴۶٪؛ $M=3,23$ ، $SD=1,33$) و میانگین ظرفیت انجام نقش‌ها از طرف دیگر (۲،۵۹٪؛ $M=3,71$ ، $SD=1,18$) در سمن‌های مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط (۳) بود. به عبارتی، سمنهای مورد مطالعه هم توانسته‌اند فعالیت‌های زیادی را انجام دهند و هم ظرفیت بیشتری در انجام فعالیت‌های نامبرده دارند. البته در ایفای نقش‌های انجام‌شده، نتایج تبعی تحقیق، بر سوگیری مدیران دلالت داشت که نشان‌دهنده‌ی عملکرد ضعیف این سمن‌ها و در نتیجه موفقیت کمتر آنها در انجام‌دادن این فعالیت‌ها است (ضمن اینکه در مورد ظرفیت‌ها نیز این سوگیری صدق می‌کند).

ب. درباره‌ی نقش‌ها و فعالیت‌های انجام‌شده، از بین ۳۴ فعالیت نامبرده در این تحقیق، مدیران میانگین فعالیت خود در ۲۵ فعالیت را بالاتر از حد متوسط و میانگین (۳) اعلام کرده و در ۹ فعالیت دیگر به میانگین کمتر از این حد متوسط قائل بودند.

ج. بیشتر نقش‌های سمنها، مربوط به حوزه‌ی آموزشی و ضعیف‌ترین آنها مربوط به حوزه‌ی سیاست‌گذاری است.

د. مهم‌ترین نقش سمنها کمک به حفظ و تحکیم بنیان و انسجام خانواده بود که بیش از دوسوم (۶۸،۱٪) مدیران به آن اشاره کرده‌اند. همچنین، افزایش آگاهی زنان نسبت به مسائل فرزندان مانند آموزش، تغذیه و...، تقویت روابط اجتماعی در داخل خانواده، ارائه‌ی آموزش‌های همگانی برای زنان و برگزاری جلسات سخنرانی برای ایشان، از برجسته‌ترین نقش‌های دیگر سمن‌ها بوده است.

ه. ضعیف‌ترین نقش سمنها، مربوط به حوزه‌ی سیاست‌گذاری است. در این عرصه، حضور سمنهای زنان و خانواده در دو زمینه‌ی کمک به تدوین قوانین و مقررات مربوط به سمن‌ها و کمک به سیاست‌گذاری کشور درباره‌ی زنان و خانواده بسیار کم‌رنگ است، در حالی که انتظار می‌رود سمنها بتوانند بیش از همه در این دو حوزه و سایر حوزه‌های مرتبط ایفای نقش کنند.

و. درباره‌ی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های انجام نقش‌ها که بخش دوم از ارزیابی عملکرد بود، از بین ۳۴ فعالیت نامبرده در این تحقیق، مدیران سمن‌های مورد مطالعه میانگین ظرفیت خود در ۳۳ فعالیت را بالاتر از حد متوسط و میانگین (۳) اعلام کرده و تنها در یک فعالیت که افزایش

سواد سیاسی است ($M=2,98$, $SD=1,35$)، میزان ظرفیت سمن خود را کمتر از حد متوسط اعلام کرده‌اند.

ز. در مورد ظرفیت‌ها نیز همان فعالیت‌هایی که سمنها بیشترین نقش را داشتند و توانستند بیشترین کارها را در آن زمینه‌ها انجام دهند، دقیقاً بیشترین ظرفیت آنها نیز در همان زمینه‌هاست (البته با اندکی جابه‌جایی). به‌طوری‌که بیشترین ظرفیت آنها به ترتیب مربوط به افزایش آگاهی زنان نسبت به مسائل فرزندان مانند آموزش، تغذیه و...، کمک به حفظ و تحکیم بنیان و انسجام خانواده، ارائه‌ی آموزش‌های همگانی برای زنان، تقویت روابط اجتماعی در داخل خانواده و توانمندسازی زنان در حوزه‌های مختلف است.

• درباره‌ی کمترین ظرفیت‌ها، نتایج نشان داد که این سمنها از نظر ظرفیتی نیز ظرفیت ورود در حوزه‌ی سیاستی را ندارند و ظرفیت موجود آنها تنها محدود به حوزه‌ی آموزشی، سخنرانی و... است. به‌طوری‌که همانند بخش فعالیت‌های انجام‌شده، افزایش سواد سیاسی اعضا و افزایش قدرت تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی توسط آنان، تبادل تجربیات و اطلاعات شخصی و توسعه‌ی ارتباطات میان اعضا و سازمان‌های ملی و بین‌المللی، کمک به سیاست‌گذاری کشور در زمینه‌ی زنان و خانواده، کمک به تدوین قوانین و مقررات مربوط به سمن‌ها، و کمک به توسعه‌ی بانک‌های اطلاعاتی به ترتیب زمینه‌هایی بودند که مدیران اعتقاد داشتند کمترین ظرفیت را در آنها دارند.

جدول (۱). نقش‌ها و ظرفیت‌های سمن‌ها در حوزه‌ی زنان و خانواده به‌طورکل

SD	M	n	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	پاسخ‌ها	
۱,۳۳	۳,۲۳	۳۶۵	۶۲	۳۳	۱۰۱	۹۸	۷۱	f	فعالیت‌های انجام‌شده
		۱۰۰	۱۷	۹	۲۷,۷	۲۶,۸	۱۹,۵	%	
۱,۱۸	۳,۷۱	۳۶۵	۲۴	۲۶	۹۹	۱۰۰	۱۱۶	f	ظرفیت انجام فعالیت‌ها
		۱۰۰	۶,۶	۷,۱	۲۷,۱	۲۷,۴	۳۱,۸	%	

۵-۳- نقش‌ها و ظرفیت‌های سمن‌های زنان و خانواده در حوزه‌های مختلف

در این تحقیق، نقش‌ها و ظرفیت‌های سمن‌های زنان و خانواده در ۸ حوزه‌ی اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، خیریه، کارآفرینی و اشتغال، سیاسی، محیط زیست و تخصصی و صنفی سنجش و بررسی شد که نتایج نشان داد:

الف. بیشترین فعالیت سمن‌ها به ترتیب مربوط به حوزه‌های آسیب‌های اجتماعی، اجتماعی، کارآفرینی و اشتغال و خیریه بوده است و میانگین فعالیت سمن‌ها در این حوزه‌ها بالاتر از حد متوسط (۳) بوده است. در ضمن، سمن‌های زنان و خانواده کمترین فعالیت را به ترتیب در حوزه‌های سیاسی، تخصصی و صنفی و فرهنگی داشته‌اند.

ب. به لحاظ ظرفیت این سمن‌ها در ۸ حوزه‌ی بررسی‌شده، میانگین ظرفیت این سمن‌ها در ۶ حوزه‌ی بالاتر از حد متوسط (۳) است و تنها در ۲ حوزه‌ی سیاسی و تخصصی و صنفی مدیران سمن‌ها اعلام کرده‌اند که ظرفیت پایینی برای انجام فعالیت‌ها در این ۲ حوزه دارند. بیشترین ظرفیت سمن‌ها نیز به ترتیب مربوط به حوزه‌های آسیب‌های اجتماعی، اجتماعی و خیریه بوده است. در بخش مربوط به فعالیت‌های انجام‌شده نیز، ۲ حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی و اجتماعی حوزه‌هایی بودند که سمن‌ها بیشترین فعالیت را در آنها (در قیاس با حوزه‌های دیگر) انجام داده بودند.

جدول (۲) نقش‌ها و ظرفیت‌های سمن‌ها در حوزه‌های مختلف

SD	M	n	ظرفیت انجام فعالیت‌ها					SD	M	n	فعالیت‌های انجام‌شده					حوزه‌های فعالیت	
			خیلی کم	کم	تاحدی	زیاد	خیلی زیاد				خیلی کم	کم	تاحدی	زیاد	خیلی زیاد	f	%
۱,۲۳	۳,۸۴	۳۱۸	۱۷	۱۳	۵۱	۵۴	۹۳	۱,۳۶	۳,۵۶	۳۱۸	۴۲	۲۸	۶۰	۸۶	۱۰۲	f	حوزه‌ی اجتماعی
		۱۰۰	۷,۵	۵,۷	۲۲,۴	۲۳,۷	۴۰,۸			۱۰۰	۱۳,۲	۸,۸	۱۸,۹	۲۷	۳۲,۱	%	
۱,۲۰	۴,۰۷	۲۴۲	۱۷	۷	۴۴	۴۹	۱۲۵	۱,۱۸	۳,۸۵	۲۷۶	۱۳	۳۳	۴۰	۸۷	۱۰۳	f	حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی
		۱۰۰	۷	۲,۹	۱۸,۲	۲۰,۲	۵۱,۷			۱۰۰	۴,۷	۱۲	۱۴,۵	۳۱,۵	۳۷,۳	%	
۱,۴۲	۳,۶۶	۲۵۷	۳۶	۲۸	۶۷	۳۵	۹۱	۱,۵۲	۲,۸۴	۲۸۵	۹۲	۲۴	۶۲	۵۱	۵۶	f	حوزه‌ی فرهنگی
		۱۰۰	۱۴	۱۰,۹	۲۶,۱	۱۳,۶	۳۵,۴			۱۰۰	۳۲,۳	۸,۴	۲۱,۸	۱۷,۹	۱۹,۶	%	
۱,۳۹	۳,۶۰	۲۵۳	۳۲	۲۲	۵۷	۴۷	۹۵	۱,۵۵	۳,۴۳	۲۸۶	۵۷	۲۴	۵۷	۳۵	۱۱۳	f	حوزه‌ی خیریه
		۱۰۰	۱۲,۶	۸,۷	۲۲,۵	۱۸,۶	۳۷,۵			۱۰۰	۱۹,۹	۸,۴	۱۹,۹	۱۲,۲	۳۹,۵	%	
۱,۲۹	۳,۴۰	۲۴۸	۳۵	۱۳	۷۸	۶۳	۵۹	۱,۴۰	۳,۵۳	۲۸۸	۴۷	۱۶	۴۹	۸۸	۸۸	f	حوزه‌ی کارآفرینی و اشتغال
		۱۰۰	۱۴,۱	۵,۲	۳۱,۵	۲۵,۴	۲۳,۸			۱۰۰	۱۶,۳	۵,۶	۱۷	۳۰,۶	۳۰,۶	%	
۱,۴۲	۲,۵۵	۱۹۶	۷۱	۲۱	۵۶	۲۱	۲۷	۱,۴۰	۲,۱۳	۱۹۹	۱۰۳	۲۴	۴۱	۶	۲۵	f	حوزه‌ی سیاسی
		۱۰۰	۳۶,۲	۱۰,۷	۲۸,۶	۱۰,۷	۱۳,۸			۱۰۰	۵۱,۸	۱۲,۱	۲۰,۶	۳	۱۲,۶	%	
۱,۳۵	۳,۳۳	۲۱۸	۲۹	۲۳	۷۷	۲۶	۶۳	۱,۴۵	۳,۰۷	۱۸۴	۴۲	۲۴	۳۳	۴۹	۳۶	f	حوزه‌ی محیط زیست
		۱۰۰	۱۳,۳	۱۰,۶	۳۵,۳	۱۱,۹	۲۸,۹			۱۰۰	۲۲,۸	۱۳	۱۷,۹	۲۶,۶	۱۹,۶	%	
۱,۳۹	۲,۸۰	۱۸۸	۵۱	۲۱	۵۹	۲۸	۲۹	۱,۳۵	۲,۳۲	۲۲۱	۹۵	۲۵	۵۴	۳۰	۱۷	f	حوزه‌ی تخصصی و صنفی
		۱۰۰	۱۵,۴	۱۴,۹	۳۱,۴	۱۱,۲	۲۷,۱			۱۰۰	۴۳	۱۱,۳	۲۴,۴	۱۳,۶	۷,۷	%	

بنابراین، سمنهای فعال در حوزه‌ی زنان و خانواده را از نظر در بخش فعالیت‌ها و ظرفیت‌ها می‌توان به صورت جدول شماره‌ی ۳ رتبه‌بندی کرد. همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، حوزه‌های آسیب‌های اجتماعی و اجتماعی هم در بخش فعالیت‌ها و هم در بخش ظرفیت‌ها بالاترین رتبه را کسب کرده‌اند. در مقابل، دو حوزه‌ی تخصصی و صنفی و سیاسی هم در بخش فعالیت‌ها و هم در بخش ظرفیت‌ها پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۳). اولویت‌بندی نقش‌ها و ظرفیت‌های سمن‌ها در حوزه‌های مختلف

ظرفیت‌ها		فعالیت‌های انجام‌شده	
SD=۱,۲۰, M=۴,۰۷	(۱) حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی	SD=۱,۱۸, M=۳,۸۵	(۱) حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی
SD=۱,۲۳, M=۳,۸۴	(۲) حوزه‌ی اجتماعی	SD=۱,۳۶, M=۳,۵۶	(۲) حوزه‌ی اجتماعی
SD=۱,۳۹, M=۳,۶۰	(۳) حوزه‌ی خیریه	SD=۱,۴۰, M=۳,۵۳	(۳) حوزه‌ی کارآفرینی و اشتغال
SD=۱,۴۲, M=۳,۴۶	(۴) حوزه‌ی فرهنگی	SD=۱,۵۵, M=۳,۴۳	(۴) حوزه‌ی خیریه
SD=۱,۲۹, M=۳,۴۰	(۵) حوزه‌ی کارآفرینی و اشتغال	SD=۱,۴۵, M=۳,۰۷	(۵) حوزه‌ی محیط زیست
SD=۱,۳۵, M=۳,۳۳	(۶) حوزه‌ی محیط زیست	SD=۱,۵۲, M=۲,۸۴	(۶) حوزه‌ی فرهنگی
SD=۱,۳۹, M=۲,۸۰	(۷) حوزه‌ی تخصصی و صنفی	SD=۱,۳۵, M=۲,۳۲	(۷) حوزه‌ی تخصصی و صنفی
SD=۱,۴۲, M=۲,۵۵	(۸) حوزه‌ی سیاسی	SD=۱,۴۰, M=۲,۱۳	(۸) حوزه‌ی سیاسی

۵-۴- الگوی مشارکت سمن‌ها در مدیریت امور زنان و خانواده

یکی از اهداف مهم این تحقیق، شناسایی الگوی مشارکت سمنهای زنان و خانواده در مدیریت مسائل زنان و خانواده در کشور است. چه بسا معمولاً حضور، موقعیت و جایگاه سمن‌ها در جامعه را بخش دولت تعیین می‌کند و این دولت است که با انتخاب یکی از دو رویکرد تمرکزگرایی یا تمرکززدایی، زمینه‌ی فعالیت یا انفعال این سمن‌ها در جامعه را تعیین می‌کند. این موضوع بنا به دلایل سیاسی، حتی در مورد سمن‌های زنان و خانواده حساس‌تر و ویژه‌تر است. بنابراین، این موضوع که رابطه‌ی دولت با این سمن‌ها انفعالی است یا فعال، بسیار مهم و تعیین‌کننده است. بر همین اساس، الگوی پنج‌گانه‌ی تنظیم و طی آن، شکل مشارکت این سمن‌ها در مدیریت امور

زنان و خانواده سنجش شد. باید یادآور شد، مشارکت سمن‌ها در مدیریت امور زنان و خانواده را نایستی به‌عنوان یک طیف صفر و ۱۰۰ دید، بلکه مشارکت آنها را می‌توان در قالب الگویی تبیین کرد که طیف این الگو از نقش انفعالی تا نقش فعال را شامل می‌شود. پاسخی که مصاحبه‌شوندگان برای رابطه‌ی دولت و سمنهای فعال قائل بودند، بسته به مصاحبه‌شوندگان متفاوت بود و در این رابطه می‌توان چندین دسته افراد را شناسایی و طبقه‌بندی کرد:

الف. نقش انفعالی. براساس نظر بیشتر مصاحبه‌شوندگان، الگوی غالب رابطه‌ی دولت و سمنهای زنان و خانواده در ایران، رابطه‌ی انفعالی است و این سمن‌ها نقش منفعلی در موضوعات زنان و خانواده دارند. این سمن‌ها به دلایل سیاسی و نیز بی‌اعتمادی دولت به کارآیی آنها، تنها ابزار و بازوان اجرایی دولت در اجرای پروژه‌هایند و در حیطه‌های مشاوره و تصمیم‌گیری نقشی ندارند.

- بیشتر نقش انفعالی دارد تا دیگر نقش‌ها.
- در ایران، دولت بعد از انقلاب، به این سمن‌ها به مثابه یک نهاد کارآمد و کارا برای اجتماع، اعتماد چندانی نکرده است.

۶۳

مدیران سمنهای مورد مطالعه نیز وقتی از الگوی غالب رابطه‌ی دولت و سمنهای زنان و خانواده در ایران می‌گویند، با سوگیری خود قائل به رابطه‌ی همکار (۳۰،۶٪) و گاه مشاور (۲۶،۷٪) هستند و حتی در برخی موارد این سوگیری به شدت افزایش یافته و معتقدند که نقش فعالی در حوزه‌ی زنان و خانواده دارند (۲۴،۳٪). این در حالی است که تنها ۸،۱٪ آنها از نقش انفعالی خود در مدیریت امور زنان و خانواده گفته‌اند.

ب. نقش بینابین. در این زمینه، سمن‌ها عمدتاً نقش‌های مشاوره، همکار و یادگیرنده ایفا می‌کنند؛ برای مثال، از آنها گاه در حوزه‌های مشاوره درباره‌ی تصمیم‌ها و همکاری‌ها در برنامه‌ها و فرآیندهای اجرایی استفاده می‌شود و گاه دانش و اطلاعات لازم به آنها برای مداخله در فعالیتهای توسعه‌ای داده می‌شود.

- نقش مشاور: در تصمیم‌گیری‌ها از نظرات آنها استفاده می‌شود.

- نقش همکار: در فرآیندهای اجرایی نقش دارند.

- نقش یادگیرنده و فراگیر: به آنها دانش و اطلاعات لازم برای انجام مداخلات داده می‌شود.

ج. نقش فعال. نهایت الگوی رابطه‌ی بین دولت و سمنهای زنان و خانواده، حضور فعال این سمن‌ها در کلیه‌ی امور مربوط به دو حوزه‌ی زنان و خانواده است و این رابطه حاصل نمی‌شود مگر با الگوی رابطه‌ی انبازی و شراکتی بین دولت و سمنهای زنان و خانواده، اما نتایجی که در این تحقیق حاصل شد و اذعان غالب کارشناسان بود، فقدان نقش فعال سمنهای زنان و خانواده

در مدیریت امور مربوطه است، گرچه نسبت بسیار اندکی از آنها به نقش فعال این سمن‌ها اشاره کرده و در گروه مدیران نیز حدود یک‌چهارم (۲۴،۳٪) آنها به این نقش فعال سمنهای زنان و خانواده معتقد بودند.

جمع‌بندی مباحث این است که در کل، رابطه‌ی بین دولت و سمن‌ها بسته به دولت‌های مختلف فرازونشیب داشته است و می‌توان براساس چندین گزاره این رابطه را توضیح داد؛ گزاره‌هایی که همگی دلالت بر این دارند، نوع رابطه‌ای که بین این دو بخش وجود دارد بستر خوبی برای رویکرد اجتماع‌محوری در مدیریت امور زنان و خانواده نیست:

الف. باور نسبی به سمن‌ها. برخی دولت‌ها مجال بیشتر و برخی کمتر و برخی هم اصولاً اعتقادی به سمن‌ها نداشته یا ندارند. فقدان این باور به سمن‌ها، قطعاً نقش مهمی در بی‌اعتمادی دولت به این سمن‌ها و در نتیجه واگذار و برون‌سپاری نکردن پروژه‌ها به آنها را دارد.

ب. نگاه گزینشی به سمن‌ها. دولت‌ها بسته به نگاه ابزاری و نمادی خویش نسبت به سمن‌ها رفتار گزینشی دارند؛ یعنی برخی جاها آنها را وارد عرصه کرده و میدان می‌دهند، اما در جاهای دیگر مجالی به آنها نمی‌دهند.

- به دلیل تجربیات تلخ و پروژه‌های ناموفق، بین سمن‌ها و ارکان مدیریت کشور اعتماد نیست. بعضی از اینها، این ساختارها و کارگروه‌هایی که شکل می‌دهند، بیشتر نمایش و تشریفات است. این در حالی است که یکی از ویژگی‌های ماهوی این سمن‌ها، غیرسیاسی بودن است؛ به این معنی که از یک طرف، آنها نباید به دنبال امور سیاسی باشند و از طرف دیگر، سیاست و تغییر دولت‌ها و گرایش‌های سیاسی دولت نیز نباید روی فعالیت آنها تأثیر بگذارد، اما آنچه که در عمل -به‌ویژه در مورد وجه دوم- شاهدیم، اینکه با تغییر دولت‌ها، شکل ارتباط دولت با سمن‌ها تغییر کرده و برخی آنها قوت و برخی ضعف بیشتری می‌گیرند و به تبع آن میزان اعتماد و برون‌سپاری فعالیت‌ها به آنها نیز دستخوش تغییر رویه می‌شود.

- با عوض شدن دولت، ساختارهای این سمن‌ها هم دستخوش تغییر می‌شود؛ به‌گونه‌ای که سمنی که با دولت همراه است، به آن کار ارجاع می‌شود و سمنی که با آن همراه نیست، به آن کاری واگذار نمی‌شود و این سیاست‌زدگی برای سمن‌ها معضلی جدی است.

به نظر می‌رسد، یکی از دلایل این بی‌اعتمادی دولت به سمنهای زنان و خانواده، از یک طرف ماهیت واقعی این سمن‌هاست که غیرانتفاعی نبوده و به دنبال نفع شخصی‌اند و از طرف دیگر، ضعف عملکرد آنها تاکنون است که نتوانسته‌اند به این دلایل اعتماد دولت را جلب کنند.

- من می‌توانم به‌صراحت بگویم بالای ۹۰٪ سمن‌ها دنبال خدمات مردمی نیستند، دنبال منافع اختصاصی خودشان هستند. پس، از این طرف هم به دولت حق می‌دهم که اعتماد وجود نداشته باشد.

ج. رابطه‌ی مبهم بین دولت و سمن‌ها. دولت‌ها رابطه‌ی مبهم و کدوری با سمن‌ها دارند. آنها سمن‌ها را نه رد می‌کنند و نه تأیید. البته دلیل اصلی این امر، نگاه ابزاری و سیاسی به آنهاست. این در حالی است که برای موفقیت سمن‌ها در کشور، الزام اول اینکه دولت بایستی رابطه‌اش را با سمن‌ها مشخص کند.

- دولت‌ها با سمن‌ها رابطه‌ی مبهم دارند. هیچ‌وقت اینها را رد نکرده‌اند و با دست باز هم نگفتند شما تشریف بیاورید.

د. نگاه امنیتی و سیاسی دولت به سمن‌ها. این نگاه دولت‌ها به سمن‌ها باعث شده که از آنها در بسیاری از فعالیت‌های مربوط به حوزه‌ی زنان و خانواده استفاده نکرده و استفاده‌ی نامنظمی از آنها شود. یکی از مشکلاتی که سمنهای فعال در حوزه‌ی زنان و خانواده در کشور دارند، همین سیاسی‌بودن این سمن‌ها و نگاه سیاسی دولت به آنهاست.

- دولت‌ها فقط از سمن‌ها استفاده می‌کند و حتی سازمان‌هایی هم که با عنوان حمایت از سمن‌ها راه می‌افتند، برای اهداف سیاسی هستند و می‌خواهند از سمن‌ها سوءاستفاده کنند و یه جورایی دنبال سیاه لشکرند.

ه. نگاه رقابتی و بدیلی دولت به سمن‌ها. دولت‌ها به دلیل ترس از مشروعیت‌زدایی خویش، گاهی سمن‌ها را رقیبی برای خویش می‌بینند. چه‌بسا این سمن‌ها در ایفای وظایف معمولاً بهتر از سیستم دولتی عمل می‌کنند و حاضر نیستند به‌عنوان همکار با آنها کار کنند. نگاه رقابتی دولت به سمن‌ها، یکی از مشکلات اصلی آنها در حوزه‌ی سیاسی است. درحالی‌که سمن‌ها می‌توانند بالقوه ضمن رعایت نقش معین دولت، نقش نظارتی و نقد عملکرد دولت را ایفا کنند؛ به‌طوری‌که آنها در مقام یک دیده‌بان عمل کنند و زمانی که دولت در ایفای وظایف خود کم‌کاری می‌کند، بر آن نظارت و آن را نقد کنند. البته این امر منوط است به اینکه دولت نیز نقش نظارتی و انتقادی این سمن‌ها را بپذیرد و در صورت ایراد این نقدها، با کینه‌توزی آنها را طرد نکند.

- سمن‌ها باید معین دولت باشند و هر جا دولت کم‌کاری می‌کند، نظارت کنند و نقد کنند و هر جا دولت نیاز دارد به یاری دولت بیایند و کمک کنند. نمی‌دانم چگونه می‌توان رابطه‌ی مثبت ایجاد کرد؛ چون اگر از دولتی‌ها انتقاد کنی، سریع بلاک می‌شوی.

در همین راستا، درباره‌ی اینکه ماهیت واقعی سمنهای زنان و خانواده در ایران از حیث شکل رابطه‌ی آنها با دولت چگونه است، مصاحبه‌شوندگان به سه شکل رابطه و به عبارتی سه شکل ماهیت در این سمن‌ها قائل بودند.

الف. استقلال‌گرایان. دسته‌ی اول از مصاحبه‌شوندگان که عمدتاً از گروه کارشناسان هستند، معتقدند که در ایران، سمنهای فعال در حوزه‌ی زنان و خانواده حتی از نظر مالی کاملاً مستقل عمل کرده و هیچ وابستگی به دولت و نهادهای متولی ندارند.

– بسیاری از سمن‌ها جدای از سیاست‌های دولتی عمل کرده‌اند.

ب. نسبی‌گرایان. کسانی که معتقدند سمن‌های موفق در زمینه‌ی زنان و خانواده، گرچه دولتی مطلق نیستند، اما بسیار وابسته به دولت‌اند و استقلال کافی ندارند. در حقیقت، از نظر این گروه، عمده‌ی سمن‌های موفق، دولتی‌اند، گرچه سمن‌های موفق غیروابسته نیز در این زمینه وجود دارد.

– دولتی نیستند، لیکن خیلی هم مستقل و خوداتکاء نیستند.

– نه خیلی وابسته به دولت و نه مستقل از دولت. وابستگی و استقلالشان ۵۰-۵۰ بوده است.

بعضی از سمن‌هایی که خوب بودند، آن زمان وابسته به دولت بودند... سمن‌ها وابستگی دارند، اما سمن‌هایی هم هستند که وابسته نیستند... سمن‌های موفقی که بتوان از آنها به‌عنوان سمن مستقل یاد کرد، اندک‌اند.

ج. وابسته‌گرایان. این گروه از افراد به وابستگی کامل سمنهای زنان و خانواده در ایران قائل بوده و معتقدند که حتی سمنهای موفق در حوزه‌ی زنان و خانواده نیز به دولت وابسته‌اند. بنابراین، نمی‌توان در حوزه‌ی زنان و خانواده از سمنی موفق نام برد و به تعبیر بهتر می‌توان آنها را سمن‌های دولتی (GNGO)^۱ خطاب کرد.

– سمن‌های موفق در این زمینه، معمولاً وابسته به دولت هستند و از ظرفیت‌های شبکه و رانت و کمک‌های مالی دولت بهره‌مند هستند... به نظر می‌رسد سمن‌هایی که توسط دولت ایجاد شده‌اند و از حمایت‌های مالی، نیروی انسانی و کارشناسی دولت استفاده می‌کنند و فرصت حضور و مشارکت در برنامه‌ها دارند، از موفقیت بیشتری برخوردار هستند و سمن‌هایی که از این وابستگی‌ها برخوردار نیستند، در حوزه‌ی بسیار محدود و خرد فعالیت دارند و اغلب به دلیل عدم حمایت دولت، دچار انفعال می‌شوند.

1. governmental non-governmental organisations

۵-۵- مشکلات سمن‌های زنان و خانواده در حوزه‌های مختلف

سمن‌های فعال در حوزه‌ی زنان و خانواده برای فعالیت در این زمینه با مشکلات متعددی در حوزه‌های قانونی، اسناد بالادستی، اجرائی و هماهنگی، فرهنگی، اقتصادی و... مواجه‌اند که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان این مشکلات را در ۷ دسته طبقه‌بندی کرد: سیاسی، مالی، حقوقی، اداری، مدیریتی، نهادی، اجتماعی و فرهنگی. از طرفی، قطعاً وزن این مشکلات در این سمن‌ها برابر نیست و برخی از آنها شایع‌تر از دیگری هستند؛ به‌طوری‌که سمن‌های مورد مطالعه مهم‌ترین مشکل خود را مالی و سپس حقوقی دانسته‌اند، اما نکته‌ی شایان ذکر اینکه این سمن‌ها در اشاره به این مشکلات، همه‌ی مشکلات را ریشه در منابع و عوامل بیرونی دانسته و در مورد مشکلات مدیریتی که به خود آنها برمی‌گردد، کمترین میزان آن در بین این سمن‌ها مشاهده می‌شود. به هر روی، مهم‌ترین مشکلات سمن‌های زنان و خانواده به ترتیب عبارت‌اند از: مشکلات مالی، حقوقی، اداری، سیاسی، نهادی، اجتماعی و فرهنگی و درنهایت مشکلات مدیریتی.

جدول (۴) مشکلات سمن‌های فعال در حوزه‌ی زنان و خانواده

SD	M	n	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	مشکلات
۱,۲۹	۳,۲۲	۳۶۵	۵۸	۳۱	۱۱۶	۹۳	۶۷	f
		۱۰۰	۱۵,۹	۸,۵	۳۱,۸	۲۵,۵	۱۸,۴	%
۱,۴۵	۳,۸۵	۳۶۵	۴۶	۳۰	۴۶	۵۳	۱۹۰	f
		۱۰۰	۱۲,۶	۸,۲	۱۲,۶	۱۴,۵	۵۲,۱	%
۱,۳۱	۳,۶۰	۳۶۵	۴۴	۲۶	۷۱	۱۱۴	۱۱۰	f
		۱۰۰	۱۲,۱	۷,۱	۱۹,۵	۳۱,۲	۳۰,۱	%
۱,۳۰	۳,۴۱	۳۶۵	۴۳	۴۱	۱۰۰	۸۷	۹۴	f
		۱۰۰	۱۱,۸	۱۱,۲	۲۷,۴	۲۳,۸	۲۵,۸	%
۱,۴۰	۲,۴۸	۳۶۵	۱۴۲	۳۷	۹۴	۵۴	۳۸	f
		۱۰۰	۳۸,۹	۱۰,۱	۲۵,۸	۱۴,۸	۱۰,۴	%
۱,۴۴	۳,۱۹	۳۶۵	۷۸	۲۵	۱۰۴	۶۶	۹۲	f
		۱۰۰	۲۱,۴	۶,۸	۲۸,۵	۱۸,۱	۲۵,۲	%
۱,۳۶	۲,۹۵	۳۶۵	۷۹	۵۴	۹۱	۸۸	۵۳	f
		۱۰۰	۲۱,۶	۱۴,۸	۲۴,۹	۲۴,۱	۱۴,۵	%

در ادامه به منظور آشنایی بهتر با مشکلات مربوط به هر حوزه، تک تک مشکلات سمن‌های زنان و خانواده در ۷ حوزه‌ی مورد نظر بررسی می‌شود.

الف. مشکلات سمن‌ها در حوزه‌ی سیاسی: نگاه رقابتی دولت به سمن‌ها، بی‌اعتماد دولتی، عدم واگذاری و برون‌سپاری پروژه‌ها، عدم تقسیم کار شفاف بین دولت، بخش خصوصی و بخش سمن‌ها، مشخص نبودن سیاست دولت در قبال سمن‌ها و انحصارگرایی دولت.

ب. مشکلات سمن‌ها در حوزه‌ی مالی: کمبود منابع مالی و نبود حمایت دولت از نظر بودجه‌ای و مالی.

۳) مشکلات سمن‌ها در حوزه‌ی حقوقی: روند طولانی ثبت و دریافت مجوز، عدم رسمیت نقش سمن‌ها در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در جامعه، وجود مراجع متعدد برای ثبت سمن‌ها و نبود یک قانون مستقل و مشخص درباره‌ی فعالیت سمن‌ها.

د. مشکلات سمن‌ها در حوزه‌ی اداری: نبود امکانات و تجهیزات کافی، نبود سازوکارهای تشویقی برای فعالیت سمن‌ها، نبود نظام ارزشیابی مستمر از فعالیت‌های این سمن‌ها و ضعف منابع انسانی.

ه. مشکلات سمن‌ها در حوزه‌ی مدیریتی: ناهماهنگی سمن‌ها با سیاست‌های ملی و اسناد فرادست، عدم زمینه‌یابی و اولویت‌سنجی سمن‌ها به منظور کشف عرصه‌های جدید فعالیت، جایگاه نداشتن سمن‌ها در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها، نبود برنامه‌ی عملیاتی مشخص در سمن‌ها، نبود فعالیت مستمر و سطح پایین پایداری در سمن‌ها، تضادهای داخلی بین مدیریت این سمن‌ها.

و. مشکلات سمن‌ها در حوزه‌ی نهادی: فقدان ساختارهای نهادی حمایتی و فقدان بانک اطلاعاتی کارآمد در مورد سمن‌های زنان و خانواده.

ز. مشکلات سمن‌ها در حوزه‌ی اجتماعی و فرهنگی: آگاهی ضعیف مردم نسبت به سمن‌ها، در نتیجه‌ی ضعف اطلاع‌رسانی به مردم در خصوص این سمن‌ها، ناشناخته‌بودن مفهوم سمن برای مردم، ضعف فرهنگ مشارکت و کارگروهی و جمعی در میان مردم، میزان پایین عاملیت اعضا، ضعف اعتماد مردم به سمن‌ها.

البته دریاب اینکه چرا مردم اعتماد چندانی به سمن‌های زنان و خانواده ندارند، می‌توان به مواردی چون بی‌اطلاع مردم از ماهیت، فلسفه و فعالیت‌های این سمن‌ها، نبود فعالیت مستمر و پایدار این سمن‌ها، عدم هدفمندی این سمن‌ها و نداشتن برنامه‌ی عملیاتی، بی‌اعتمادی مردم به دولت و سازمان‌های متولی و تسری این بی‌اعتمادی به سمن‌ها، حمایت نکردن مراجع بالادستی، و درنهایت همکاری نداشتن دستگاه‌های دولتی اشاره کرد.

۵-۶- ارزیابی عملکرد سمن‌های زنان و خانواده

سمن‌ها به‌طور بالقوه می‌توانند در زمینه‌های گوناگون مربوط به حوزه‌ی زنان و خانواده وارد شوند. منتهی این موضوع فقط در سطح نظری است و در عمل سمن‌ها بنا به دلایل ماهیتی (شرح وظایف و اساسنامه‌ای)، سیاسی، مالی، پرسنلی و... تنها در برخی فعالیت‌ها نقش داشته و در برخی فعالیت‌ها ورود پیدا نکردند و یا اگر ورود پیدا کردند، عملکرد ضعیفی از خود به‌جای گذاشته‌اند. درباره‌ی ارزیابی عملکرد سمن‌های فعال در حوزه‌ی زنان و خانواده می‌توان مصاحبه‌شوندگان را به چهار گروه تفکیک کرد:

۱- منفی‌گرایان. دسته‌ی اول از مصاحبه‌شوندگان مطلقاً مخالف عملکرد موفق سمن‌های زنان و خانواده بوده و اعتقاد دارند که آنها تاکنون در تحقق اهداف خویش ناموفق بوده‌اند. یکی از استدلال‌های برخی از افراد برای عملکرد ضعیف سمن‌های زنان و خانواده این است که این سمن‌ها از هدف اصلی که بایستی به‌عنوان یک سازمان اجتماعی ایفای نقش کنند، دور شده و به یک سازمان خیریه‌ای تقلیل یافته‌اند.

- به نظر می‌رسد بسیاری از سازمان‌های با حوزه‌ی فعالیت خدمات اجتماعی به سازمان‌هایی با حوزه‌ی فعالیت خدمات خیریه‌ای تبدیل شده‌اند.

با این حال برخی از منفی‌گرایان خوش‌بین بوده و بر این باورند که گرچه وضعیت این نهاد در کشور آن‌چنان مطلوب نیست و انتظار بسیار بیشتر از وضع فعلی است، ولی روند روبه‌رشدی داشته و در آینده وضعیت آنها بهتر از گذشته و حال خواهد بود.

- گرچه وضعیت این نهاد در کشور آن‌چنان مطلوب نیست، ولی روندی روبه‌رشد داشته و در آینده فکر می‌کنم جزء نهادهای موفق‌تری بشود.

- در ایران، ما سمن‌های آن‌چنان موفق نداریم، بلکه روند روبه‌رشد و مطلوبی دارند که در چشم‌انداز آینده این وضعیت امیدبخش است.

ب. نسبی‌گرایان. برخی از مصاحبه‌شوندگان گرچه عملکرد فعلی سمن‌ها را تاحدی موفق دانسته‌اند، اما همچنان معتقدند که این عملکرد چنان‌که باید نیست و ضرورت شکل‌گیری و فعالیت بسیار بیشتر آنها وجود دارد.

- به نسبت فعالیت‌هایی انجام شده، لیکن بنا به گستره‌ی جمعیتی و نیز مسائل عدیده‌ای که وجود دارد، نیاز به فعالیت و شکل‌گیری بیشتر سمن‌ها در حوزه‌ی زنان و خانواده است.

- ... من نمره‌ی ۱۴ از ۲۰ را به عملکرد سمن‌ها در حوزه‌ی زنان و خانواده می‌دهم.

ج. مشروط‌گرایان. این دسته از مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که عملکرد سمن‌های زنان و خانواده، به ماهیت فعالیت آنها وابسته است. بدین معنی که آن دسته از سمن‌هایی که مشی غیرسیاسی داشتند و سعی کردند براساس ملاحظات فرهنگی جامعه‌ی ایران عمل کنند، عملکرد موفق‌تری داشتند و در مقابل، سمن‌هایی که بنا به ملاحظات سیاسی فعالیت کرده و سعی کردند در این حوزه‌ی حساس سیاسی ورود پیدا کنند، عملکرد کمتر موفق‌تری داشتند.

موضوع زنان به دلیل سوءاستفاده‌های سیاسی، موضوع چالش‌برانگیزی در کشور ماست و به همین دلیل فعالیت در این حوزه حساسیت‌ها و ملاحظات خاص خود را دارد. به نظر می‌رسد، سمن‌هایی که به دور از حاشیه‌های سیاسی و براساس ملاحظات فرهنگی جامعه‌ی ایران کار می‌کنند موفق هستند. سمن‌هایی که موضوع فعالیت آنها در زمینه‌های سلامت، حمایتی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است نیز موفق بوده‌اند.

بخش دیگری از این مشروط‌گرایان، کسانی بودند که براساس تقسیم سمن‌های زنان به دو گروه سمن‌هایی که برای تعقیب اهداف زنان شکل می‌گیرند و سمن‌هایی که توسط زنان برای همه‌ی اقشار شکل می‌گیرند، در مورد عملکرد این سمن‌ها اظهار نظر کرده‌اند. این افراد، گروه اول از سمن‌ها را ناموفق و گروه دوم را موفق‌تر ارزیابی کرده‌اند.

– البته باید به یک نکته توجه داشت و آن اینکه باید حوزه‌های فعالیت سمن‌ها را مشخص کرد. اگر مراد از سمن‌های زنان آن دسته از سمن‌هایی باشد که مسائل زنان اعم از اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و حتی اقتصادی را دنبال می‌کنند و هدفشان بهبود وضعیت زنان در هر یک از حوزه‌های یادشده باشد، به نظر می‌رسد که موفقیت‌چندانی نداشته‌اند؛ اما اگر مراد سمن‌هایی باشد که با اهداف عام توسط زنان تشکیل شده‌اند به نظر می‌رسد که وضعیت دیگرگون است و موفقیت‌هایی خصوصاً در حوزه‌های خیریه‌ای داشته‌اند.

د. موافقان. گروه آخر از مصاحبه‌شوندگان که نسبت آنها اندک و عمدتاً نیز از کارشناسان دفاتر امور بانوان در استانداری‌های مورد مطالعه بودند، عملکرد فعلی سمن‌های زنان و خانواده را مثبت ارزیابی کرده و گفته‌اند که این سمن‌ها نقشی اثرگذار در حوزه‌ی زنان و خانواده داشته و توانسته‌اند گام‌های مؤثری در این زمینه بردارند.

– درخصوص مسائل زنان و خانواده نیز سمن‌های فعال در حوزه‌ی زنان و خانواده نقشی اثرگذار داشته و حمایت‌های مربوطه را از اقشار مختلف زنان در کنار دولت داشته‌اند. سمن‌های موفق در حوزه‌ی زنان و خانواده زیاد هستند؛ چراکه این سمن‌ها با آگاهی کامل از وضعیت موجود موضوعی

خاص شکل گرفته و نقش و وظایف خود را در قبال آن موضوع تعریف نموده و قدم‌های مؤثری در رابطه با آن موضوع برداشته‌اند.

در کل می‌توان چنین مدعی شد که سمن‌ها عملکرد ضعیفی در مدیریت امور زنان و خانواده نداشته و اثربخشی آنها در این زمینه کم بوده است.

- عملکرد سمن‌ها در کل قوی نیست و نیازمند کار بیشتری هستیم. در کل ضعیف هستیم.

- آن‌چنان‌که باید در جایگاه اصلی خودشان باشند، حضور ندارند. حضورشان کم‌رنگ است.

با این حال، وقتی به نظر مدیران سمن‌ها درباره‌ی اثربخشی‌شان در حوزه‌ی زنان و خانواده رجوع می‌شود، آنها با توجه به سوگیری طبیعی خود نسبت به موضوع، درباره‌ی به این اثربخشی نظر مثبتی دارند؛ به طوری که حدود یک‌سوم آنها (۳۲٫۷٪) قائل به اثربخشی زیاد خود در بهبود مدیریت امور زنان و خانواده بوده و در مقابل ۱۳٫۲٪ آنها اثربخشی خود در این زمینه را کم عنوان کرده‌اند ($M=۳٫۲۵$ ، $SD=۰٫۹۰$). همچنین وقتی نظر مدیران درباره‌ی اثربخشی آنها در آینده را جویا می‌شویم، به اثربخشی بسیار بیشتر از آنچه در حال حاضر است، قائل‌اند. در همین زمینه، ۷۴٫۹٪ از مدیران در سمن‌های مورد مطالعه به اثربخشی زیاد سمن در آینده اشاره کرده‌اند ($M=۴٫۰۷$ ، $SD=۰٫۸۶$). البته این احتمال اثربخشی بیشتر در آینده، با توجه به فضای کنونی جامعه، طبیعی است و پیش‌بینی می‌شود با فراهم شدن شرایط به‌ویژه شرایط سیاسی و اجتماعی بیشتر در سطوح کلان، مردم و خانواده‌ها، حضور و در نتیجه اثربخشی این سمن‌ها پررنگ‌تر شود. بنابراین، مسلم است، سمن‌های زنان و خانواده علی‌رغم اثربخشی نازلی که در حال حاضر در عرصه‌ی مدیریت امور زنان و خانواده در سطوح ملی و استانی دارند، اما به حتم این سمن‌ها پتانسیل و ظرفیت بالایی در این زمینه دارند و انتظار می‌رود در صورت توجه و تدبیر بیشتر، در آینده هرچه بیشتر اثربخش شوند.

موضوع دیگر، ارتباط حوزه‌ی فعالیت این سمن‌ها با میزان موفقیت آنهاست که نتایج نشان داد، سمن‌ها بیشتر در حوزه‌هایی موفق بوده‌اند که کمتر با امور سیاستی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مرتبط بوده است، یعنی حوزه‌های موفقیت آنها بیشتر در زمینه‌های امدادی، آموزشی، خیریه‌ای، سلامت، توانمندسازی، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و گاه زیست محیطی بوده است. در حقیقت، گرچه ارزیابی کلی از عملکرد سمن‌های زنان و خانواده به‌عنوان سمن‌های ناموفق امکان‌پذیر است، اما اگر این سمن‌ها برحسب حوزه‌های عملکردی طبقه‌بندی شوند، میزان موفقیت نوسان پیدا کرده و میزان موفقیت این سمن‌ها در برخی حوزه‌های اجتماعی مانند محیط زیست، خیریه و

برخی آسیب‌های اجتماعی در مقایسه با حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که با حساسیت‌های اجتماعی و سیاسی همراه‌اند، بسیار بیشتر بوده است.

۵-۷- دلایل ناکامی سمن‌های زنان و خانواده

براساس مطالب بیان‌شده اجماع کلی دلالت بر ناکارآمدی عملکرد بسیاری از سمن‌های زنان و خانواده داشت، اما قطعاً دلیل بخشی از این ناکامی، درونی و مربوط به خود این سمن‌هاست و بخشی هم ریشه در عوامل بیرونی (مانند ارتباط با دولت و ارتباط بین‌سازمانی) دارد. بنابراین، نمی‌توان تک‌علتی نگاه کرد و ریشه‌ی ناکامی آنها را یا درونی و یا بیرونی دانست؛ چه‌بسا این عوامل با هم برهم‌کنش دارند و عملکرد یکی بر دیگری تأثیر می‌گذارد. به هر روی، در این قسمت این عوامل شرح داده می‌شود:

الف) دلایل درونی

- دلایل مالی. یکی از مهم‌ترین مشکلات سمن‌های زنان و خانواده، مشکل مالی و در نتیجه نبود تأمین و پوشش مالی بسیاری از فعالیت‌ها و پروژه‌هاست. این مشکل، موجب وابستگی سمن‌ها به نهادهای دولتی شده و این وابستگی نیز به نوبه‌ی خود به مشکل استقلال‌نداشتن آنها - که پیش‌تر توضیح داده شده و حتی به‌عنوان یک واقعیت فراگیر در مورد سمن‌ها مطرح است - منجر می‌شود. - استقلال‌نداشتن سمن‌ها. واقع امر این است که بخشی از سمن‌های زنان و خانواده در ایران، به‌ویژه سمن‌های موفق، وابسته به دولت‌اند و استقلال کافی ندارند. این وابستگی در زمینه‌ی مالی و سیاسی بسیار بارز است.

● دولتی‌بودن این سمن‌ها و عدم استقلال ذاتی آنها

● بیشتر سمن‌هایی که تشکیل می‌شوند، به حمایت دولت وابسته‌اند. اگر عدم وابستگی به دولت به‌وجود بیاید، آن وقت سمن‌ها پویا می‌شوند.

- دلایل مدیریتی داخل سمن‌ها: بسیاری از سمن‌های زنان و خانواده توانمندی مدیریتی لازم ندارند. درحقیقت، دلیل دیگری که به‌عنوان دلیل ناکامی سمن‌های زنان و خانواده مطرح است، مدیریت‌نداشتن یا سوءمدیریت این سمن‌هاست که علم و اطلاعات کافی در زمینه‌ی حوزه‌ی زنان و خانواده و مسائل مربوط به این حوزه ندارند. ضمن اینکه مدیران بخشی از این سمن‌ها، فاقد همدلی و وحدت در سمن می‌باشند؛ چه‌بسا انگیزه‌ی برخی از آنها از تشکیل چنین سمنی، انگیزه‌ی فردی و منفعت‌طلبانه بوده و در نتیجه با اهداف سمن و کسان دیگری که با انگیزه‌ی خیرخواهی و داوطلبانه‌گرایی گرد هم آمده‌اند، ناسازگاری دارند.

- عدم موفقیت به خاطر کم‌کاری خود سمن می‌باشد و هیچ چیزی نمی‌تواند مانع آن شود.
- بخشی از مشکلات سمن‌های حوزه‌ی زنان به ماهیت خود سمن‌ها برمی‌گردد که از توانایی‌های لازم در عرصه‌ی برنامه‌ریزی و نفوذ در آحاد جامعه برخوردار نیستند.
- فقدان تخصص‌گرایی. بخشی از اعضای مؤسس و عادی سمن‌های زنان و خانواده در ایران، وابسته به شبکه‌ی فAMILI بوده و برخی در حد اسم مانده و هیچ فعالیتی در سمن ندارند. علاوه بر این، تشکیل برخی از این سمن‌ها بنا به انگیزه‌های سیاسی و منفعت‌طلبانه بوده و به همین خاطر، بسیاری از این اعضا مهارت و تخصص لازم برای مدیریت و فعالیت در سمن را ندارند.
- فقدان تخصص‌گرایی و مهارت‌گرایی زنان در سمن‌ها
- در سمن‌ها شایسته‌سالاری با رویکرد تخصصی و علمی وجود ندارد ... بی‌برنامه‌گی‌های زیادی که اتفاق می‌افتد، توانمندی‌های سمن‌ها را زیر سؤال می‌برد.
- این فقدان تخصص‌گرایی در برخی موارد موجب انفعال سمن‌های زنان و خانواده شده است. بخشی از این سمن‌ها منتظر حمایت و دریافت پروژه از سوی دولت‌اند، به‌جای اینکه خود درصد فعالیت و شناساندن قابلیت‌های خویش به دولت و نهادهای متولی باشند. آنها نمی‌دانند باید چکار کنند و اصولاً آگاهی از فعالیت چنین تشکل‌هایی ندارند، بنابراین منتظر و متوقع از دولت‌اند تا فعالیتی به آنها بسپارد.

- دلایل مربوط به اعضا. رکن اصلی در قوام ساختار سمن‌های زنان و خانواده، جمعیت و به‌عبارتی اعضای آن می‌باشند و زمانی این سمن‌ها موفق‌اند که اعضای فعال و علاقه‌مند در آن حضور و فعالیت داشته باشند، اما چنان‌که در ابتدای یافته‌ها مشاهده شد، در بخشی از این سمن‌ها اعضا کیفیت لازم برای عضویت را ندارند و بنا به دلایلی مانند کمبود وقت و فرصت، مشغله‌ی کاری، بی‌رغبتی، انگیزه‌های غیردوطلبانه‌گرایی در عضویت و... یا فعالیتی در سمن نداشته و یا بعد از مدتی آن را رها می‌کنند. البته نباید از این نکته نیز غافل شد که بخشی از این سمن‌ها از افراد فAMILI تشکیل شده و در بین آنها پدیده‌ی «فAMILI شدن عضویت» رخ می‌دهد. به‌طوری‌که اساس تشکیل بخشی از آنها فAMILI بودن اعضاست و از طریق دوستان و اعضای خانواده دور هم جمع می‌شوند و درخواست مجوز می‌کنند و درنهایت پس از تشکیل، چون یک نفر همه‌کاره است و نه یک گروه، بنابراین این نفر محدودیت دارد و برنامه‌هایی که در سر دارد را نمی‌تواند اجرا کند.

- فقدان برنامه‌ی عملیاتی. سمن‌های زنان و خانواده به دلایلی مانند ضعف نیروی انسانی، فقدان شبکه‌سازی، فقدان نظام پایش و ارزشیابی و... از یک طرف و فقدان متولی مشخص و مناسب به‌منظور ارزشیابی فعالیت‌ها و عملکرد از فقدان برنامه‌ی عملیاتی که راهنمای فعالیت آنها باشد،

رنج می‌برند. این سمن‌ها برنامه‌ی روشنی از چشم‌انداز آتی خود ندارند و طبیعتاً نبود این برنامه، فعالیت‌های آینده را با ابهام، لغزش، ناکارآمدی و... مواجه خواهد کرد.

- **فقدان برنامه‌ی اطلاع‌رسانی و جلب مشارکت مردمی.** سمن‌های زنان و خانواده فاقد برنامه‌ی اطلاع‌رسانی مشخص برای جلب اعضا و مردم به عضویت و فعالیت در سمن هستند. اعضا مهم‌ترین رکن سمن هستند و مادامی که سمن‌ها نتوانند اعضای جدیدی را جذب و در خود ادغام کنند، طبیعتاً سمن نیز از هم خواهد پاشید. در نتایج مربوط به دلایل غیرفعالی برخی از این سمن‌ها، مشاهده شد که هم کمیت و هم کیفیت اعضا در غیرفعال شدن این سمن‌ها نقش مهمی داشته است. - نبود یک برنامه‌ی مدون و منظم برای جذب خیل عظیم زنان و خانواده‌ها به سمت این سمن‌ها را می‌توان مهم‌ترین ضعف درونی سمن‌ها نامید.

- **حزبی شدن سمن‌ها.** یکی از آسیب‌های جدی سمن‌های زنان و خانواده، همانند سایر سمن‌ها، درگیری آنها در امور حزبی است که این مسئله در واقع به یکی از دلایل ناکامی آنها در حوزه‌ی فعالیت تعریف‌شده، تبدیل شده است. سیاسی شدن و دولتی شدن برخی از این سمن‌ها، طبیعتاً موجب حضور افراد سیاسی و حزبی و درنهایت درگیری آنها در امور حزبی شده است.

- **مرتبط نبودن سمن‌ها با نهادهای علمی و دانشگاهی.** چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، سمن‌های زنان و خانواده فاقد تخصص‌گرایی و مهارت‌گرایی در سمن هستند و بنابراین از پیشبرد موفق فعالیت‌های خویش ناتوان‌اند. به همین خاطر آنها نیاز به نیروهای متخصص بیرونی دارند تا بتوانند در برخی زمینه‌ها آنها را مشاوره و راهنمایی کنند. نهادهای علمی و دانشگاهی یکی از این مصادر راهنمایی‌اند که متأسفانه در حال حاضر ارتباط سمن‌های زنان و خانواده با آنها بسیار کم و حتی در حد صفر است. در نتیجه‌ی چنین فقدان، بسیاری از آنها از دانش و مهارت روز بی‌بهره‌اند.

ب) دلایل بیرونی

- **دلایل اداری و مدیریتی:** بخشی از مشکلاتی که سمن‌های زنان و خانواده دارند، مربوط به حوزه‌های اداری و مدیریتی است. قوانین دست‌وپاگیر اداری در نهادهای متولی به‌منظور ثبت و مجوز فعالیت، فقدان نهاد متولی مشخص در رابطه با فعالیت سمن‌های زنان و خانواده و تعدد این نهادهای صدور مجوز، فقدان نظام ارزیابی و پایش عملکرد و... از مهم‌ترین دلایلی اداری و مدیریتی هستند که جلوی عملکرد موفق بسیاری از سمن‌های زنان و خانواده را گرفته‌اند.

- **دلایل سیاسی:** رابطه‌ی دولت با سمن‌ها به‌طور کل و سمن‌های زنان و خانواده به‌طور خاص مشخص نیست. این رابطه ابزاری، رقابتی، تزئینی و سیاسی و تحت تأثیر تغییر دولت‌هاست و هنوز

هیچ گفتمانی درباره‌ی فعالیت این سمن‌ها وجود ندارد. درحقیقت، سمن‌های زنان و خانواده در کشور، از نگاه دولت‌ها، کارکرد سیاسی دارند تا کارکرد اجتماعی و فرهنگی که منطبق با اساسنامه و مرام فعالیت آنهاست. این نگاه دولت به سمن‌های زنان و خانواده، موجب تغییر نگاه و رویکرد در مدیران این سمن‌ها نیز شده و بسیاری از آنها در فعالیت‌های خود با نوعی محافظه‌کاری و احتیاط عمل می‌کنند.

- نگاه به سمن‌ها خیلی سیاسی است. یعنی تصور این است که کارکرد سیاسی سمن‌ها بیشتر از کارکرد اجتماعی و فرهنگی آن است.

- جایگاه نامناسب جامعه‌ی مدنی در کشور. سمن‌های زنان و خانواده جزئی از خانواده‌ی سمن‌ها و آن نیز جزئی از خانواده‌ی جامعه‌ی مدنی در سطح کلان کشور هستند، بنابراین مشکلاتی که بر جامعه‌ی مدنی مترتب است، به‌حتم گریبان سمن‌های زنان و خانواده را نیز گرفته است و نمی‌توان از این مسئله غافل بود.

- دلایل حقوقی و قانونی. سمن‌های زنان و خانواده اگرچه بخشی از ناکامی و عدم اثربخشی خود را رأساً مقصرند، اما به‌حتم نبود حقوق و قوانین حمایتی لازم درباره‌ی با فعالیت آنها از جمله فقدان قانون جامع برای فعالیت، مشخص‌نبودن سازمان متولی معین، تعدد مراجع صدور مجوز، دوگانگی مرجع صدور مجوز (مرکز امور اجتماعی) و مرجع فعالیت (دفتر امور بانوان) و ناهماهنگی بین این دو مرجع، نامشخص‌بودن مرجع پاسخ‌گویی و پاسخ‌خواهی و مشکلاتی از این قبیل نیز سهم بسزایی در ناکامی این سمن‌ها داشته و دارند.

- دلایل اجتماعی و فرهنگی. یکی از موانع بیرونی که موجب ناکارآمدی سمن‌های زنان و خانواده شده، ناآشنایی مردم و در نتیجه بی‌اعتمادی آنها به این سمن‌هاست. در این حوزه، سمن‌ها با مشکلات متعددی مواجه‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها، فقدان یا بهتر بگوییم ضعف روحیه‌ی همکاری و کار جمعی در بین بخشی از مردم است که به دلایل تاریخی، اقتصادی و سیاسی اتفاق می‌افتد. این ضعف فرهنگ مشارکت و کار جمعی حتی در بسیاری از اعضای این سمن‌ها نیز شایع است و بنا به اظهارات کارشناسان و حتی مدیران سمن‌ها، یکی از موانع موفقیت آنهاست.

- در فرهنگ جامعه‌ی ایرانی، نگاه انجمنی خیلی قوی نیست و به همین دلیل افراد زیاد متمایل به شرکت و عضویت در سمن‌ها نیستند.

- یکی از مهم‌ترین موانع فرهنگی در تشکیل و توسعه‌ی این سمن‌ها، ضعف کارهای تیمی و گروهی که ذات برنامه‌های آنهاست، تلقی می‌شود. همچنین، گرایش‌های منفعت‌گرایی فردگرایانه افراد را از جذب در سمن‌ها دور می‌کند.

مشکل فرهنگی دیگر که نقش مهمی در ناکارآمدی سمن‌های زنان و خانواده داشته، نگرش‌های سنتی به زنان و خانواده بوده و هست. این مشکل فرهنگی موجب شده تا حضور زنان در عرصه‌ی اجتماعی و فرهنگی کم‌رنگ‌تر شود و در نتیجه مشارکت زنان در سمن‌های مرتبط با این حوزه نیز پایین باشد.

۶) **عدم برون‌سپاری فعالیت‌ها و پروژه‌ها از سوی دولت.** یکی از دلایل مؤثر در عملکرد ضعیف سمن‌های زنان و خانواده، عدم برون‌سپاری فعالیت‌ها و پروژه‌ها از سوی دولت به این سمن‌هاست. واقع امر این است که از یک طرف اعتمادزایی دولت و از طرف دیگر آشنایی و اعتماد مردم نسبت به این سمن‌ها، به انجام فعالیت سمن‌ها بستگی دارد؛ مادامی که فعالیتی از سوی آنها انجام نشود، قطعاً نه دولت و نه مردم به آنها اعتماد نخواهند کرد. این برون‌سپاری به‌ویژه در مورد سمن‌های تازه‌تأسیس نقش مهمی دارد.

- بخشی از مشکلات سمن‌ها به سیاست‌های دولت بازمی‌گردد. فی‌المثل، در عرصه‌ی برون‌سپاری فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی به این سمن‌ها از سوی دستگاه‌های دولتی و عمومی، وحدت رویه وجود ندارد.

۵-۸- واقعیت سمن‌های زنان و خانواده

براساس مجموع یافته‌های پیشین این مقاله، می‌توان واقعیت سمن‌های زنان و خانواده در ایران را براساس چندین ویژگی بارز توصیف کرد که تمامی این ویژگی‌ها به اتفاق هم و به شکلی تعاملی، چنین واقعیتی را رقم می‌زنند:

الف. **غیرسمن بودن.** واقع امر این است که برخی از سمن‌های زنان و خانواده، تشکل به‌معنای واقعی کلمه نیستند؛ یعنی تشکلی که داوطلبانه بوده و از دل مردم برخاسته و مهم‌تر از همه در پی منافع عمومی باشند. در مجموع سمن‌ها در دو عرصه قابل شناسایی‌اند: سمن‌هایی که برای تعقیب منافع اعضا کار می‌کنند و سمن‌هایی که برای تعقیب منافع عموم‌اند، اما با نگاهی به عرصه‌ی زنان و خانواده معلوم می‌شود که این عرصه، عرصه‌ی تعقیب منافع خصوصی اعضا نیست، بلکه عرصه‌ای است که بایستی منافع عمومی تأمین شود، اما واقعیتی که در مورد سمن‌های زنان و خانواده وجود دارد، این است که بسیاری از آنها در پی تعقیب منافع شخصی‌اند تا منافع عمومی. برخی از آنها خانوادگی‌اند و تنها حول محور یک فرد می‌چرخند؛ برخی از آنها وابسته به مسئولین و کارکنان دولت‌اند و براساس رانتی که دارند، شکل گرفته‌اند و در پی منافع خویش‌اند.

- برخی سمن‌ها فقط نام هستند و تک‌نفره فعالیت می‌کنند. تشکلی که داوطلب ندارد و همه‌ی

اعضای آن یک نفر هستند و همه‌جا از یک تشکل فقط یک نفر را می‌بینید که نمی‌شود گفت تشکل مردم‌نهاد [سمن]. برخی جایی شاغل هستند و شب هنگام در منزل تشکلشان را از طریق سایت و فضای مجازی اداره می‌کنند؛ ولی برخی از راه تشکل مردم‌نهاد هم خودش و هم بسیاری را شاغل و علاقه‌مند کرده و توان نیروی انسانی بالایی دارد.

- موفق نداریم و اگر فکر می‌کنند موفق‌اند، دولتی هستند.

- این سمن‌ها برای خدمت نیستند. یکی قبلاً یک سمتی داشته، خواسته کاری با یک نهاد دولتی انجام دهد، نتوانسته و به این نتیجه رسیده با شرکت خصوصی نمی‌شود و یک سمن گیروگور قانونی‌اش کمتر است. بیشتر با آن نگاه رفتن. نمی‌گوییم همه این‌طور هستند، ولی عمدتاً این‌گونه‌اند.

ب. تقلیل سمن‌ها به مؤسسات خیریه‌ای. یکی از ریسک‌هایی که در حال حاضر برخی از سمن‌های زنان و خانواده را تهدید می‌کند، این است که بخشی از آنها خواسته و ناخواسته در عمل به یک مؤسسه‌ی خیریه تقلیل یافته و بسیاری از خدماتی که ارائه می‌دهند، جزء خدماتی است که مؤسسات فوق نیز پوشش می‌دهند. این در حالی است که سمن واقعی زنان و خانواده بایستی در همه‌ی فعالیت‌های زنان و خانواده نقش حساس و تعیین‌کننده ایفا کنند و بازوان و همکار دولت باشند.

- ظاهراً این‌طور به نظر می‌رسد که سمن‌ها خودشان را یک مؤسسه‌ی خیریه‌ی کمک‌رسان می‌بینند. کمک‌رسانی معنوی در قالب آموزش یا کمک‌رسانی مادی. کار سمن‌ها فقط این نیست، بلکه فرهنگ‌سازی هست، پشتیبانی و از همه مهم‌تر حضور فعالانه و تأثیرگذار در قانون‌گذاری و کمک به مراجع قانون‌گذار و سیاست‌گذار است. یعنی اینها چشم باز و گوش نهادهای دولتی در حوزه‌ی سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری باشند.

ج. فقدان جایگاه مشخص سمن‌ها. یکی از واقعیت‌های روشن در مورد سمن‌های زنان و خانواده این است که این سمن‌ها به دلیل در سایه‌بودن، جایگاه روشنی در این‌باره نداشته و هیچ نقش مشخصی برای آنها از سوی دولت و نهادهای متولی تعریف نشده است. بنابراین، طبیعی است تا زمانی که چنین نقشی برای آنها تعریف نشده باشد، اعمال هرگونه نظارتی بر عملکرد آنها محال است و نمی‌توان میزان پاسخ‌گویی آنها به حوزه‌ی زنان و خانواده را مشخص و ارزیابی کرد.

- ... نیاز به حمایت دولت دارند (حمایت مالی) که تا به حال نکرده است. خیلی فیلترهای سنگین دارد تا بتوانند سمن را بگیرند. بعدش هم که می‌بینید جایگاهی ندارید. تعریفی نشده است که چه کار کنید.

- نبود تعریف دقیق و انتظار بخش دولتی و عمومی از نقش و جایگاه سمن‌ها، نبود تجربه‌ی همکاری و مشارکت این بخش‌ها با یکدیگر، عدم شناخت درست از ظرفیت سمن‌ها، نگاه پیمانکارانه از سوی طرفین به موضوع و زمینه‌های همکاری و نبود زبان مشترک.

د. همکاری تب‌گونه با سمن‌ها. رابطه‌ی دولت با سمن‌های زنان و خانواده بسته به دولت‌ها و مدیران مختلف متفاوت بوده است. به همین خاطر، همکاری دولت با این سمن‌ها در دوره‌ای زیاد و در دوره‌ای کم بوده است.

- [عدم همکاری سمن‌ها] به شکل تب‌گونه است. یعنی توی یک سال همه دنبال سمن‌ها می‌گردند و دو سال هیچ‌کسی با سمن‌ها کاری ندارد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که سمن‌های زنان و خانواده در مدیریت امور زنان و خانواده در کشور عملکرد ضعیفی دارند؛ اگرچه مدیران با سوگیری خویش، عملکردشان را مثبت ارزیابی کردند، اما کارشناسان و صاحب‌نظران نظر متفاوتی داشته و معتقدند که این سمن‌ها طبق انتظاری که از آنها می‌رود، پیش نرفته و عملکرد ضعیفی از خود به‌نمایش گذاشتند؛ ضمن آنکه دستاوردها و برونداد اجتماعی آنها نیز از این ناکارآمدی حکایت دارد. البته نباید منکر این قضیه شد که حضور این سمن‌ها توانسته تا اندازه‌ای موجب بازیابی موقعیت زنان و خانواده شود، اما در مجموع عملکرد آنها از یک‌سو، نقش برجسته‌ای در تولید و بازتولید زنان به‌عنوان نیروی مولد نداشته و از سوی دیگر، در تحکیم موقعیت خانواده موفقیت چشمگیری نداشته است. همان‌طور که شیخ و نورول نیز در مطالعه‌ی خود روی نقش سمن‌های زنان در روستاهای بنگلادش دریافتند که برنامه‌های توسعه‌ای که این سمن‌ها اجرا می‌کنند، باعث افزایش سواد، آگاهی و درنهایت قدرتمندسازی زنان شده است، اما به دلیل کردارهای اجتماعی و فرهنگی رایج، این برنامه‌ها در درگیر کردن و بسیج زنان به سمت بخش‌های مولد ناکام مانده‌اند.

از طرفی، اگر عملکرد این سمن‌ها براساس مدل مفهومی تحقیق و در دو بعد فرآیندی و ساختاری بررسی و تحلیل شود، بایستی گفت که از هر دو بعد، سمن‌ها عملکرد موفقی نداشته و با مشکلاتی مواجه‌اند. در بعد فرآیندی (درون‌سازمانی)، یعنی فرآیندها و فعل‌وانفعالاتی که در داخل سمن در راستای توسعه‌ی آن و برای نیل به اهداف پیش‌بینی شده انجام می‌شود، نتایج نشان داد که سمن‌ها از نظر منابع مالی با کمبود منابع مواجه شده و به‌شدت در اظهارات خود به منابع مالی و حمایت دولت وابسته‌اند که البته این وابستگی مالی، وابستگی سیاسی را نیز به دنبال دارد. البته

مشکل کمبود منابع مالی در بسیاری از سمن‌های حتی فعال در سایر حوزه‌ها نیز مشهود است و در مطالعات قبلی موارد زیادی از وجود این مسئله مشاهده شده است. درباره‌ی با مشارکت اعضا بایستی گفت که گرچه از نظر مدیران مورد مطالعه، اعضا نقش فعالی در امور شرکت اعم از شرکت در جلسات و انتخابات، ارائه‌ی پیشنهادهای، کمک مالی و... دارند، اما در واقعیت که نقش اعضا در این حوزه‌ها ضعیف است. چه بسا بسیاری از جلسات و تصمیمات سمن با نظر اعضای هیئت مدیره و هیئت امنا و بدون برگزاری جلسه با اعضا برگزار می‌شود. مسئله‌ی فامیل بودن اعضا در برخی از این سمن‌ها نیز به احساس بی‌نیازی نسبت به برگزاری جلسات دامن زده است. درباره‌ی شناخت مردم از این سمن‌ها و در نتیجه ترغیب و عضویت در آنها، نتایج نشان از آشنایی پایین مردم با این سمن‌ها به دلیل ضعف اطلاع‌رسانی داشت. بسیاری از مردم این سمن‌ها را نمی‌شناسند و به دلیل ناآشنایی به آنها اعتمادی ندارند، ضمن اینکه عملکرد این سمن‌ها ضعیف بوده و در عین حال نه خودشان و نه دولت سیستم اطلاع‌رسانی مناسبی برای آشناسازی و در نتیجه اعتمادسازی مردم نسبت به این سمن‌ها نداشته‌اند. نتیجه‌ی مطالعه‌ی شرکت مشاوره‌ی مدیریتی در ساندیش در زمینه‌ی «سازماندهی استراتژیک کانون‌های فرهنگی و اجتماعی زنان» نیز دلالت بر این داشت که یکی از نقاط ضعف اصلی این کانون‌ها، ناآشنایی مردم با آنهاست که به دلیل عدم اطلاع‌رسانی مناسب در مورد ماهیت و عملکردشان حاصل شده است.

۷۹

در بعد دوم از عملکرد سمن‌های زنان و خانواده، یعنی بعد ساختاری (فراسازمانی/بافتی)، که به کیفیت تعامل و برهم‌کنش این سمن‌ها با محیط برمی‌گردد، نتایج نشان داد که به‌طور کلی کیفیت ارتباط سمن‌های زنان و خانواده با نهادهای دیگر به‌ویژه نهادهای دولتی مناسب نیست و این امر ریشه در رابطه‌ی امنیتی، رقابتی، سیاسی، ابزاری و تزئینی دولت با آنها دارد و نقش منفی روی برون‌سپاری فعالیت‌ها و پروژه‌ها به این سمن‌ها گذاشته است. تعدد مراجع صدور مجوز، فقدان یک سازمان متولی اصلی، قصور دولت در اطلاع‌رسانی ماهیت و کارکرد سمن‌های زنان و خانواده به مردم به منظور اعتمادسازی در آنها و جلب عضویت، فقدان تأثیرگذاری بخش غیردولتی در حوزه‌ی زنان و خانواده در سیاست‌ها و برنامه‌های دولت که در جای‌جای متن بدان اشاره شد و...، از مهم‌ترین معرف‌هایی هستند که نشان‌دهنده‌ی ضعف بعد ساختاری از عملکرد سمن‌های زنان و خانواده را نشان می‌دهد.

در ادامه‌ی یافته‌ی قبلی، می‌توان به این نتیجه‌ی ضمنی اشاره کرد که سمن‌های زنان و خانواده، عاملیت حوزه‌ی زنان و خانواده نیستند. مشارکت سمن‌های زنان و خانواده در امور سیاستی بسیار نازل است و عمده‌ی مشارکت آنها در سطح اجرایی است و به‌عنوان بازوان اجرایی

دولت قلمداد می‌شوند. درحقیقت، مشارکتی که از این سمن‌ها انتظار می‌رود، مشارکتی است که به تعبیر آگاروال در وسیع‌ترین حالت یک فرآیند تعاملی دینامیک است و به تعبیر بانک جهانی و برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل، ذی‌نفعان که درواقع سمن‌های زنان و خانواده و نماینده‌ی این دو حوزه هستند، در اقدامات و تصمیم‌ها و منابعی که روی آنها تأثیر می‌گذارند، اثر گذاشته و تا حدودی نیز آن را کنترل می‌کنند، اما آنچه در مورد زنان و خانواده در ایران می‌بینیم، خلاف این واقع است. آنها در فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی‌ای که روی آنها تأثیر می‌گذارد، نقشی ندارند و در نتایج شاهد بودیم که نقش و حتی ظرفیت آنها در کمک به فرآیند سیاست‌گذاری و تدوین قوانین و مقررات مربوط به سمن‌ها در پایین‌ترین رده قرار دارد و عمده‌ی نقش آنها به برگزاری یک‌سری کلاس‌های آموزشی و سخنرانی برای گروه‌های خاصی از زنان و یا ارائه‌ی یک‌سری خدمات به مددجویان ختم شده است. ازاین‌رو، مشارکتی که این سمن‌ها در مدیریت امور زنان و خانواده در کشور دارند، به تعبیر ادنان، بارت، نورالعالم و براستینو مشارکت انفعالی و کارکردی است. یعنی مشارکتی است که تنها طی آن بخش اعظمی از سمن‌ها اهداف از پیش تعیین‌شده‌ی پروژه‌ها و فعالیت‌ها توسط دولت را برآورده می‌کنند. چنین مشارکتی، نه در مراحل اولیه‌ی چرخه‌ی پروژه‌ها، بلکه در مراحل بعد از تصمیم‌گیری انجام می‌شود. یعنی زمانی است که دولت و نهادهای متولی سیاست‌ها را مشخص و تصمیم‌ها را گرفته و بنا دارند آنها را اجرا کنند. در اینجاست که سمن‌ها به‌عنوان بازوان اجرایی دولت ورود پیدا می‌کنند.

روح و رویکرد کلی دولت در ایران با سمن‌ها به‌طور عام و سمن‌های زنان به‌طور خاص نظارت حداکثری و رقابتی است و دولت مجال چندانی برای فعالیت این سمن‌ها قائل نیست، به‌ویژه در مورد سمن‌های زنان و خانواده که مسائل ویژه‌تری دارند و فعالیت آنها با مسائل سیاسی نیز آمیخته می‌شود. در همین زمینه، سعیدی نیز با مطالعه‌ی رابطه‌ی دولت و سمن‌های زنان در ایران، نشان داد که رشد کمی این سمن‌ها از دهه‌ی ۷۰ تاکنون، دلالت بر رشد کیفی آنها نداشته و استمرار شکل رابطه کنونی دولت با این سمن‌ها، احتمالاً فعالیت آنها را محدود کرده و در تغییر ساختاری مسائل زنان نقش چندانی ندارد. راثو و جین نیز در مطالعه‌ای که روی نقش سمن‌ها در هند داشتند، دریافتند که یکی از مشکلات اصلی این سمن‌ها، مداخله‌ی سیاسی دولت در فعالیت‌ها از یک‌سو و فقدان قدرت چانه‌زنی و پذیرش آنها در نقش همکار از سوی دولت از سوی دیگر است. موضوع دیگر اینکه، از یک طرف برخی از سمن‌های زنان و خانواده به دولت وابسته‌اند و از طرف دیگر دولت به این سمن‌ها اعتماد ندارد و آنها را در پروژه‌های زیادی یا حداقل مهم دخالت نمی‌دهد. به عبارتی، بازی دولت و سمن‌های زنان و خانواده، بازی‌ای یک‌سویه و گزینشی است و

دولت در جاهایی که نیاز داشته باشد، از آنها استفاده کرده و جاهایی هم که نیازی نباشد، آنها را طرد می‌کند. مطالعه‌ی شرکت مشاوره‌ی مدیریتی در ساندیش نیز نشان داد که یکی از نقاط ضعف اصلی کانون‌های فرهنگی و اجتماعی زنان در کشور، وابستگی به نهادهای متولی مانند استانداری و فرمانداری است و این وابستگی جلوی ابتکار، خلاقیت و فعالیت آنها را می‌گیرد. داگال مطالعات وسیعی در مورد رابطه‌ی بین دولت و سمن‌ها در کشور نپال و سطح جهان انجام داده است، به تعبیر وی، الگوی رابطه‌ی بین دولت و سمن‌های زنان و خانواده در کشور، الگویی ایستا است که با ویژگی فعالیت محدود دولت و یک بخش ضعیف‌تر سمن‌ها مشخص می‌شود (Dhakal, 2002: 43). بدین معنی که نه دولت فعالیت منسجم و ساختارمندی درباره‌ی زنان و خانواده دارد و نه مجال کافی به سمن‌های این حوزه برای فعالیت و پوشش نواقص و خلأها می‌دهد. این در حالی است که الگوی مطلوب رابطه‌ی بین این دو بخش، الگوی انبازی و شراکتی است که در آن هم دولت و هم سمن‌ها فعالانه و اغلب با همکاری یکدیگر در حل مسائل جامعه درگیرند. اگرچه در سطح کلان شاهدیم نهادهای جامعه‌ی مدنی و سمن‌هایی که حتی مردان مؤسس آنها هستند، عملکرد ضعیفی دارند، اما این ضعف در مورد سمن‌های زنان بیشتر است.

۷- الزامات سیاستی و اجرایی

مهم‌ترین الزام سیاستی به منظور ارتقای نقش سمن‌ها در زمینه‌ی زنان و خانواده را می‌توان به صورت یک گزاره‌ی سیاستی بیان کرد و به حتم پاسخ و واکنشی که به این گزاره داده می‌شود، نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد سمن‌های زنان و خانواده دارد. آن گزاره این است که: «دولت باید رابطه‌اش را با سمن‌ها مشخص کند». واقع امر این است که روابط تیره، مبهم و... دولت با سمن‌ها، نقش بسیار منفی در عملکرد آنها در حوزه‌ی زنان و خانواده دارد؛ در یافته‌ها نیز مصادیق و شواهد فراوانی از اظهارات مصاحبه‌شوندگان در این مورد وجود داشت. بدیهی است مادامی که این نوع روابط بین دولت و سمن‌ها ترمیم نشود، صحبت از حضور و مشارکت سمن‌ها در مدیریت امور زنان و خانواده به‌طور خاص و عرصه‌ی مدیریت کلان کشور به‌طور عام گزاف است و جز دردسر، اتلاف وقت و هزینه و بودجه، سردرگمی یک‌سری افراد و... نفعی برای توسعه‌ی ملی و به‌ویژه بهبود امور زنان و خانواده در کشور ندارد.

حال با فرض اینکه دولت بنا دارد به شکلی نهادمند رابطه‌ی مسالمت‌آمیز و مثبتی را با سمن‌ها برقرار کند و آنها را به‌عنوان بازوانی در کنار خویش ببیند، بایستی به چندین الزام سیاستی به منظور ارتقای نقش سمن‌ها در زمینه‌ی زنان و خانواده توجه کرد: از جمله تشکیل یک کمیته‌ی

منسجم به منظور رصد فعالیت‌ها و عملکردهای سمن‌های زنان و خانواده؛ تشکیل خانه‌ی سمن‌ها در سطوح ملی، استانی و شهرستانی؛ تدوین قانون جامع فعالیت سمن‌ها؛ تدوین سند فعالیت سمن‌ها در حوزه‌ی زنان و خانواده؛ اتخاذ رویکرد عدالت رویه‌ای از سوی دولت در قبال سمن‌ها و در نهایت ایجاد نظام حمایت اجتماعی از سمن‌ها و شبکه‌سازی بین سمن‌ها.

درباره‌ی الزامات اجرایی نیز می‌توان به الزاماتی از جمله موارد زیر اشاره کرد:

- آموزش، بازآموزی، ایجاد انگیزه در کارکنان و کارشناسان مرتبط با سمن‌های زنان و خانواده در دفاتر امور بانوان در استانداری‌ها و فرمانداری‌ها به منظور علاقه به فعالیت بیشتر در زمینه‌ی این سمن‌ها؛

- برگزاری دوره‌های آموزشی برای مؤسسين سمن‌های زنان و خانواده در مورد ماهیت، فلسفه، کارکرد و ضرورت تشکیل این سمن‌ها و در نتیجه فعالیت آگاهانه‌تر، روشن‌تر مصمم‌تر آنها در این زمینه؛

- اولویت‌بخشی به سمن‌های زنان و خانواده در مورد طرح‌ها و برنامه‌ها از سوی نهادهای مرتبط مانند معاونت امور زنان و خانواده، دفتر امور بانوان وزارت کشور و استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و...؛

- تهیه‌ی فهرستی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سمن‌ها؛

- رتبه‌بندی سمن‌ها؛

- اعتمادسازی مردم به سمن‌ها؛

- رسانه‌ای شدن سمن‌ها؛

- فراهم کردن تسهیلات اداری و حقوقی؛

- برگزاری جلسات تخصصی ادواری و مستمر بین سمن‌ها و مسئولین به منظور بررسی مسائل و مشکلات و کمک به حل آنها؛

- اطلاع‌رسانی و ارتباط مستمر با اعضا؛

- حمایت‌های تجهیزاتی از سمن‌ها؛

- تدوین و کاربست بسته‌ی حمایت مالی از سمن‌ها.

منابع

- ◀ اعتمادی‌فر، نرگس و سارا دبیریان. «سازمانهای غیردولتی و نقش آنان در آموزش زنان جهت تضمین پایداری محیط زیست». دومین همایش تخصصی مهندسی محیط زیست، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده محیط زیست، (۱۳۸۷).
- http://www.civilica.com/Paper-CEE02-CEE02_484.html.
- ◀ براری، مرضیه، مرضیه مطهری‌اصل و سیدجمال رضوی خراسانی. «بررسی تأثیر عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد بر پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان سرپرست خانوار». *جامعه‌شناسی زنان (زن و جامعه)*، ۳ (۱)، (۱۳۹۱).
- ◀ پوریوسفی، حمید و حبیبه بهاری. «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت زنان در سازمان‌های غیردولتی (NGOs) در شهر تبریز». *مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران*، ۱ (۲)، (۱۳۸۸).
- ◀ دهقان، حوریه. آسیب‌شناسی تطبیقی سازمان‌های غیردولتی در دوران آقای هاشمی و آقای خاتمی (با تأکید بر سازمانهای غیردولتی زنان). پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی، به راهنمایی حمیدرضا ملک‌محمدی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، (۱۳۸۲).
- ◀ رضائی قلعه‌تکی، زهرا. تأثیر سازمانهای غیردولتی زنان بر مشارکت سیاسی زنان در ایران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی، به راهنمایی عبدالعلی قوام، دانشکده‌ی علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، (۱۳۸۲).
- ◀ سازمان ملی جوانان (۱۳۸۲). گزارش ملی جوان؛ بررسی وضعیت تشکلهای غیردولتی جوانان. گزارش پژوهشی، تهران.
- ◀ سعیدی، علی اصغر. «رابطه‌ی دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران (جستجوی یک همکاری بهینه)». *پژوهش زنان*، ۳ (۳)، (۱۳۸۴).
- ◀ شرکت مشاوره‌ی مدیریتی درسااندیش، ۱۳۸۴. سازماندهی استراتژیک کانون‌های فرهنگی و اجتماعی زنان. گزارش پژوهشی، تهران: دفتر امور بانوان وزارت کشور.
- ◀ فرجی، لیلا و جواد فعلی. «بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر میزان مشارکت زنان در سازمان‌های غیردولتی (NGOs)». *فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی*، ۱ (۴)، (۱۳۸۹).
- ◀ محمدی، نعیم. «گونه‌شناسی عملکرد سازمان‌های غیردولتی زنان در برخی کشورهای اسلامی». *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۸ (۲۸)، (۱۳۹۵).
- ◀ وزارت کشور (۱۳۸۴). آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی. معاونت سازمانهای مردم‌نهاد مرکز امور اجتماعی و فرهنگی، تهران.
- Adnan, Shapan, Alison Barrett, S. M. Nurul Alam, & Angelika Brustinow, 1992. *People's Participation, NGOs and the Flood Action Plan: An Independent Review*, Dhaka: Research an Advisory Services.

- Agarwal, B. "Participatory Exclusions, Community Forestry, and Gender: An Analysis for South Asia and a Conceptual Framework", *World Development*, 29 (10), 1623-1648, (2001).
- Asian Development Bank. *Special Evaluation Study of the Role of Non-Governmental Organisations and Community-Based Organisations in Asian Development Bank Projects*, (December 1999).
- Cannon, Christy (2000). "NGOs and the state: a case- study from Uganda", In: Eade, Deborah (Ed.). *Development, NGOs and Civil society*, Uk: Oxfam GB Press.
- Carroll, T. F. (1992). *Intermediary NGOs: The Supporting Link in Grassroots Development*, West Hartford, CT: Kumarian Press.
- Chamala, Shankariah (1995). "Overview of participative action approaches in Australian land and water management", In: Keith, K. (Ed.), *Participative approaches for Landcare*, Brisbane: Australian Academic Press.
- Charancle, Jean Martial (1996). *Assessment of NGOs in Central Africa: case studies in Cameroon. The Congo, Gabon and the Central African Republics*.
- Claridge, Tristan. "Designing Social Capital Sensitive Participation Methodologies", Social Capital Research, Zealand, (2004).
<http://www.socialcapitalresearch.com/wp-content/uploads/2013/01/Social-Capital-and-Participation-Theories.pdf>.
- Community-Based Public Works Programme (2002). *NGOs do it better: An efficiency analysis of NGOs in Development delivery*, The South African Voluntary Sector.
- Dhakal, Tek Nath (2002). *The Role of Non-Governmental Organisations in the Improvement of Livelihood in Nepal*, Doctoral dissertation in Administrative Science, Supervised by Juha Vartola & Purushottam Suvedi, Faculty of Economics and Administration, University of Tampere, Finland.
- Fielmua, Nicholas & Bandie, Robinson. "The Role of Local Non-Governmental Organisations in Basic Education in the Nadowli District of Ghana", *British Journal of Arts and Social Sciences*, 4 (1), 46-59, (2012).
- Gherghina, R., F. Văduva & Mirela Postole. A. "The Performance Manage-

- ment in Public Institutions of Higher Education and The Economic Crisis”, *Annales Universitatis Apulensis Series Oeconomica*, 11(2), 639-645, (2009).
- ▶ International Center for Not-for-Profit Law (1997). *Comparative Assessment of NGOs/Government Partnership in Romania*, Budapest.
 - ▶ Morris-Suzuki, T. “For and against NGOs”, *New Left Review*, (March/April, 2000).
 - ▶ Pulavarti, Lalitha & Ashram, Sumangali Seva (2001). “Contribution of Local NGO in Urban Bangalore”, In: *Social Change Through Voluntary Action* (Eds.), New Delhi: Sage Publications.
 - ▶ Ramachandran, Vimala (2001).”Voluntary Organizations: Professional Agency or Subcontractor”, In: *Social Change Through Voluntary Action* (Eds.), New Delhi: Sage Publications.
 - ▶ Rao, Sambangi Mohan & Jain, G. K. “ROLE OF NON-GOVERNMENTAL ORGANIZATIONS IN INDIA”, *International Journal of Transformations in Business Management*, 1 (4), (2011).
 - ▶ Shekh, M. & Nurul I. “Educating Women Through NGO Programmes: Contradictions of Culture and Gender in Rural Bangladesh”, (2000).
http://www.netreed.uio.no/articles/Papers_final/Shekh.pdf.
 - ▶ Society for the Development of Women & Children. *Institutional Assessment of Women Local Non-Governmental Organizations in Yemen*, (November 2002).
 - ▶ Stromquist, Nelly P. “NGOs in New Paradigm of Civil Society”, *Current Issues in Comparative Education*, 1 (1), 62-67, (1998).
 - ▶ UNDP (1997). *Empowering people – a guide to participation*, Washington D. C., United States.
 - ▶ Women’s Resource Centre, *The State of the Women’s NGO Sector. Shadow Report submitted to the United Nations Committee on the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW) in response to the United Kingdom’s 6th Periodic Report*, (April 2008).
 - ▶ World Bank 1996. *The world bank source book on participation*, Washington D. C.: World Bank.
 - ▶ Yiyi, Lu. “The Limitations of NGOs: a preliminary study of non-governmental

social welfare organisations in China”, *CCS International Working Paper*, Series 13, (2002).